

سبت چهارم محال و فیدن رفتن

فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند امیرانجا
 از اتهامات اولیای دولت قاهره در کمال نظم و
 تعقیبات است و نواب مستطاب شاهزاده و نواب
 نصره الدوله فرزند میرزا حکمران مملکت فارس در این قاضی
 در باغ تو بوده اند و سباده استه اند که محال کردی
 کرده سبت که سیرات فارس بروند و در سیم
 ماه محرم محرم فرج مرحوم فضل الله خان میرنخچیرا
 که در فارس بودند بر حسب امر اولیای دولت
 قاهره مرخص کرده اند که از شهر کوچیده بولایت خود
 بروند که یک چند از رحمت سفر آسوده شد

و سنجین نوشته بودند که بر حسب امر اولیای دولت
 قاهره مشغول ساختن ارک جدید شیراز هستند و یک
 سمت از آنکه در بطرف مسجد و کبل است ساخته
 کرده اند و کسبهای دیگر را نیز که نام تمام است در کارند
 و هر روز سی نفر بنا با عمل زیاد در کارند که آنها را نیز تمام
 نامید و از قراریکه نوشته بودند وقتی که این ارک
 تمام بشود بسیار برونی و آبادی و سگوه شهر شیراز
 خواهد افزود

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته شده بود
 صفحات آنجا از استقامت اولیای دولت قاهره
 کمال انتظام را دارد و راهبانی که سابقاً مخوف بودند
 اوقات و نهایت امنیت است و از اطراف و جوار

این روزنامه قاهره و زوار از کرمان و غیره زیاد سخنرسان
 می آیند و از هر سمت که می آیند ضرر و آسیبی
 نمیرسد و زوار و قوافل کمال شکر گذاری از امنیت و انتظام
 این دولت قوی شوکت علیه دارند

استرآباد

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته شده بود
 نهایت فساد و انانی و ارزانی و امنیت در آنجا محال است
 از قراریکه نوشته بودند مشت نفر کتول برای علف چین
 بصحرای رفته بوده اند سبت نفر سوار ترکان بر سر آنها ریخته
 و بقدر یک ساعت جنگ کرده اند یک نفر از کتولها
 کشته شده و دو نفر از ترکانان زخمی کرده و یک
 اسب نیز از ترکانان بدست کتولها افتاده و ترکانان
 سگت خورده مخدولا و مسکوب با فرار کرده و رفتند

دیگر نوشته بودند که شخصی سپاده بی سجد از قریه کال آنرا عبور کرده
 پلنگی در روی درخت بد بود فریاد زیاد کرده بود که شاید کسی باشد که
 و از پلنگ کشته نشد شخصی خوب است رسیده بود آن خوب داور
 با خوب بطرف پلنگ رفته بود پلنگ نیز او را گرفته و خشم بسیار
 روزه بود و بعد از آن او را انداخته شخص اولی پر داخته و او را
 نیز خشم بسیار روزه بوده است درین پن یک نفر قلعی
 با بخار رسیده و پلنگ را بغیر زده و کشته بوده است
 و آن دو نفر زخمی را را بقریه کال آنرا آوردند
 یکی از آنها بعد از رساندن کمال آفرایان خشم پلنگ
 در کشته و فوت شده است و آن یکی دیگر مسوز
 روزه بود است

f

۵۵۵

و پلنگ
دور

سوز

یزد

کرمان

از قراریکه در روزنامه یزد نوشته بود امر اتجا از اتهام اولیای دولت قاهره در کمال انتظام است و فراوانی و ارزانی به چیزی حاصلست و عموم رعایا نهایت شکر از عافیت این دولت قوی شوکت دارند از اینکه رعایا که همیشه از خوف طایفه بلوچ و بختیاری محفوف بود حالا چنان امن شده است که پیغمبر و نفعکاری با مبالغی اموال مردم در کمال خاطر جمعی آمد و رفت مینمایند

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند در بیست و پنجم ماه ذی قحط اسحاق امیر الامراء العظام مقرب انجان خان ^{مخزن} حکمران یزد و کرمان وارد کرمان گردیده و رسوم امالی اتجا از اعلی و ادنی استقبال نموده و لازمه حرمت را لعل آورده اند و کمال ارزانی و فراوانی و وفور نعمت حاصلست و اهل اتجا نهایت شکر گذاری را دارند و امری که خلافت قاعده باشد از احدی ناشی و صادر نمی شود و مردم به عا کوفی ذات اقدس اعلی حضرت پادشاهی اند

دیگر نوشته بودند که دو نفر دانی رمضان و نوروزک نام که از الواط و اشرا یزد بودند و بجهت دردی و شرارتی که محمد علی نام ترک که یکی از فحای آنها بوده است منزل آنها نشان داده بود نائب الحکومه یزد فرستاده آنها در یکی از ذات یزد دستگیر کرده و حبس نموده است با امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان عرض کرده بود و او نیز حکم فرستاده بود که هر دو را در یزد بسزای اعمال خودشان برساند

دیگر نوشته بودند که بعد از ورود امیر الامراء العظام بکرمان که عذایان اتجا بنا بر رسم سابق سجد توکری که همراه سردار بود بخلیه خانهای مردم پرداختند بعد از اطلاع بر مراتب مزبوره سردار قدغن نموده است که احدی متعرض خانه کسی نشود و این قاعده خانه تروی موقوف باشد و برضا و رغبت صاحبان خانه هر کس سخاوتهای آنها را اجاره بکند و بدون رضایت صاحب خانه کسی در خانه کسی منزل نکند

بسیار نوشته بودند که عمر و حسن خواججه سین عطار و وضع حملش شده طفلی بوجود آمده است که علاوه بر سرش سری دیگر در پیشانی او بوده و دست و پا او پنجه نداشتند است و علائق مانند و شاخ سبک و ناخ داشته و سوراخی نیز در کله سرداشته است و یک شبانه روز زنده بوده است بعد از آن فوت گردیده است

و از حکام سابق کرمان این بوده است که عنوان نوشجات و حکام حکم عالی می نوشته اند و روی کاغذ را هر سیکرده اند و بر او را نیز از روی هر سیکرده اند و باین قاعده حکام و بر او نوشته و برده اند که امیر امیر الامراء العظام سردار برسانند ان احکام را پاره نمود و این قاعده را موقوف داشته و بسیاری که خود در کاغذ نویسی داشته اند عمل نموده و مطلقا تغییر نداده اند و بر او را نیز از پشت هر نموده و هر سیر را از راه موقوف کرده اند که عالیجا میرزا سنج که محاسب است او نیز پشت بر او را بنویسد

۵۵۶

اخبار دول خارجه

انگلیس در روزنامه های انگلیس از جمله اخباری که درین روزنامه
 نوشته بودند حساب مواجب نوکرهای عمده و محترم دولت
 انگلیس در هندوستان بود مواجب فرمانفرمای هندوستان
 دو بیست و پنجاه هزار و شصت و سه روپیه که هر روپیه در
 پانصد دینار تخمیناً بحساب پول ایران می شود و بزرگ عدا
 مشا و دویست هزار و سیصد و چهل و هفت روپیه و دو نفر
 و یو اینان که در دیوانخانه نشسته مراجعات مردم را می
 هر یک شصت و دو هزار و پانصد و ده روپیه و پنج نفر
 دیگر نیز که علی مراجعات مردم را می نمایند هر کدام پنجاه و
 هزار و دویست روپیه و چهار نفر از اهل مشورتخانه که بزرگ
 وزیر مصلحت و فرمانفرمای هندوستان می کنند هر یکی
 صد و شصت هزار و سیصد و بیست روپیه و مواجب سایر
 نوکرهای مشخص دولت هندوستان را نیز نوشته اند و
 منظور از نوشتن و چاپ زدن این جسات اینست که در
 فراری که در باب داد و ستد هندوستان درین روز
 خواهند گذاشت بلکه بعضی ازین مواجبه را که نگینند زیرا که این
 مواجبه را در ارا خدائی که باین اشخاص رجوع شده بسیار
 زیاد میدادند
 در روزنامه هندوستان هم نوشته اند که بعد از آنکه
 دولت انگلیس هرگون برآید بنای جنگ را که استند چند
 نفر فرانسه بان مملکت رفته اند و انگلیت ها خیال کرده اند
 که میخواهند ادا بابل رنگون بکنند و در باب اهل بریتانیا
 نوشته اند که مابین هندوستان و چین دو مملکت بزرگ
 یکی مملکت برمه و یکی مملکت سیام حال انگلیسها با مملکت
 برمه و سیام

جنگ دارند و دور نیست که لشکرو جنگ در مملکت سیام
 داشته باشند این دو طایفه تخمیناً هشتاد و یک هزار
 میباشند و لکن مانند اهل چین که هم سرتدا اینها میباشند
 مردمان کارکن و دولت مند نیستند و کمان روزنامه نویسان
 این است که اخراجات جنگ شکل از انولایت پرودین
 و هم در روزنامه هندوستان نوشته اند که قشون
 انگلیس که بجنگ رنگون رفته بودند شهر پیگو را متصرف شده
 بودند و لیکن باز خالی کرده بودند اهل کتار در بای آن مملکت
 که اهل پیگو موسوم اند چند سال پیش ازین دولت جدا گانه
 بودند پادشاه برمه با آنها غالب آمده آنجا را جزو مملکت
 برمه کرد حال کویا اگر دولت انگلیس نخواهد که آنجا را باز از برمه
 موضوع نماید اهل پیگو بسیار راضی و خوشنودی شوند
 مردمانی بی غیرت هستند و خودشان هیچ سعی در
 خود ندارند روس

روس

از فراری که در روزنامه های فرانسه نوشته اند
 کشتی بزرگ جنگی و یک کشتی بخار دولت روس از شهر
 سینت پل بشهر آدوسته آمده بود و در میان آنها قشون
 بود و بنیاد دارند که درین فصل مابین قشون زیاد توجه مشکی
 استاج جمع نمایند و از طوری که نوشته اند دور نیست که
 هر اطراف استرپه در سیام جمع شدن این قشون با

فرانس

در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته بودند که موسیو
 پرسیبی نام یکی از مقر بان لوی ناپلیان است بشهر لندن
 آمده بود و آمدن اشاریه سیبیش این بود که تحقیق کند که بلکه
 طوری باشد که تجارت مابین دولتین انگلیس و فرانسه

زیاد بشود که منتظر طرفین باشد از طرف فرانسویان
 بنا بگذارد که در حال سستی و آهمن و کتانی و غیره بی کرک یا
 با کرک جزئی داخل مملکت فرانسه بشود و از طرف انگلیس
 میخوانند بنا بگذارد که اجناس فرانس را که حالا ابتداء
 کرک زیاد دارد که نمیتوانند بولایت انگلیس بیاورند بل کرک
 جزئی داخل ولایت انگلیس نمانند و اگر این قرار گذاشته شود
 منتظر طرفین میشود و بسکن بعضی از صاحبان کارخانه طرفین
 ضرورت زبان ازین حاصل خواهند دید
 دیگر در روزنامه فرانس نوشته اند که در یکی از جزایر خط
 استوا که در تصرف فرانس است جزئی افشاشی شده
 بود بسبب اینکه یکی از چاکران بزرگ آن ولایت عملی کرده بود
 که اصل آنجا از او شکلی بودند و رضامندی نداشتند و شخص
 مزبور نیز آینه رفته بود آشنای دولت فرانس او را بجزیره
 مزبور پس فرستاده بودند و قسماً کشتی که این شخص در
 او نشسته بود در روی بسیر رسید اعیان آن جزیره بدو
 کشتی او آمده و با او مصاحبت کردند و گفتند که صلاح نیست
 که اگر کشتی بیرون بیانی مشارالیه کوشش بجزیره آنها کند
 و بخشکی بیرون آمده بود مردم جمع شدند و صدایند
 کرده کمال چهره منی نسبت با و نمودند تا اینکه نظام بیرون
 آمده و اورا سلامت بمنزل خودش رسانند و بعد
 سی نفر از جوانان نجیب سلطه آن جزیره را بسبب این چهره
 گرفته مجبوس کردند
 چند خانوار از طایفه عرب که همراه امیر عبدالقادر و مملکت
 فرانس مجبوس بودند درین روزها دولت فرانس آنها را
 رها کرده اند و بملک جزیره العرب که وطن خودشان بود
 مراجعت کردند

۵۵۸

استریه

دولت استریه درین روزها بسیار سعی و کوشش دارند
 که کشتیهای جنگی خودشان را که در آق و دیگر کشت میکنند
 زیاد تر و مضبوط تر بکنند و چونکه یک سرقد آنها از طرف
 آق و دیگر است که در بای ادرینی اینکت میسازند و در جای
 آن دولت از راه دریای است مالک روم و مصر و سایر
 و سایر ولایات اطراف آق و دیگر تجارت زیاد میکنند
 بسیار لازم است که کشتیهای جنگی آنها در آن اطراف مضبوط
 و مستعد باشد سابقاً در قورخانه کشتی سازخانه شهر
 و نیز هزار و پانصد یا هزار و شصت نفر عمل داشتند حال
 بیشتر از دو هزار و چهارصد نفر عمل دارند کشتیهای تازه
 میسازند و کشتیهای کهنه را تعمیر مینمایند در آخر تابستان
 یک کشتی تمام خواهند کرد که جای شصت عراده توپ دارد
 و بنا دارند که آب بندازند و کشتی دیگر هم میسازند که خرج
 بخارش زود دولت است دارد کشتی بخار کوچک دیگر
 نیز میسازند که آبکم بخورد و در روی رودخانهها تردد نماید
 خوب جنگی بجهت کشتی سازی وقت بجهت ساختن طناب
 و غیره و آهمن و سایر اسباب لازمه قورخانه زیاد میسازند
 و حال میخوانند با تجار انگلیس معامله بکنند که تجار مزبور در
 بجهت دولت استریه بسیارند که هر یک جای چهل عراده
 توپ داشته باشد در و نیز آب دریا کم عمق است و کشتی
 بسیار بزرگ در آنجا نمیتوان ساخت بجهت اینکه آب دریا
 در آنجا نقد عمیق نیست که کشتی بزرگ از آنجا بتواند بیرون
 بیاید و بدریا برود کشتیهای بزرگ که خواهند ساخت در جای
 دیگر که در آن دریا بنا دارند بسیارند و آب پسند دارند

سویس

در مملکت سویس قاعده دارند که سالی یک دفعه در وسط تابستان مردم کل بلوکات کوچک آن ولایت در آنجا جمع میشوند که هم در امورات خود مصالحت میکنند و هم قشون با آنجا می آورند و هم دید و بازدید و همیش می نمایند چونکه آنجا که جمع میشوند جای بسیار با صفاست نزدیک به ریاحه کوچکی است که دورش کوه و درخت و جنگل است و بسیار چشم انداز خوب دارد درین سال سیاحت از دول خارج زیاد با آنجا جمع شده اند ازین بلوک مملکت سویس هر یکی یک فوج با آنجا فرستاده اند که چند وقت در آنجا باشند و مشق قشون کتب نمایند آنها که از طرف و ذواته بودند که مملکتی است حاصل چیز مخصوصه در تاک و مشق اکثر آنها باغبانیت جو انان خوب بودند و فوجیان خیلی فوج مصنوب بودند بکران اسم که از کومستان آن مملکت آمده بودند و شغلشان بخا برداشتن کاوه و کوهستان آنها هم فوج خوب فرستاده بودند اما مردم یکی از بلوکات سویس که کلاً صنعت کارند مخصوصه کارخانه پنجه زیاد دارند فوجی که از آن بلوک فرستاده بودند همه مردمان زرور و ولاغر و ضعیف بودند و معلوم میشد که شغل ایشان صنایعی بود که در خانه کار کرده بودند و بیرون و صحرا کمتر دیده بودند این قشون هم با آنجا آمده چند وقت مشغول مشق شدند اگر چه اینها هم از اهل سویس اند و سویس مملکت کوچکی است لیکن در میان شان زبانهای مختلف است بعضی از آنها زبانی حرف میزنند مانند زبان فرانسه و بسیار نزدیک بزبان آن ولایت است و بعضی هم زبان قدیم

دارند که چندان تناسبت بزبانهای دیگر ندارد و مدانی که در آنجا بودند میگویند که از هر سبب جمع شدن اهل سویس با آنجا بسیار بجا و تفریح خوبی بجهت خلق بود

احوال متفرقه

در مملکت بزرگ کارخانهای بسیار خوب بجهت تشک سازی دارند و در ساخن تفنگهایی که پراصلی تیبند چنان خوب دارند از آن میسازند که تفنگ سازان ولایت انگلیس مانند شکل از عهد برمی آیند از آن جهت این دو طایفه در تفنگ فروشی بسیار دول روی زمین مدعی یکدیگر میشوند درین چند نفر از صاحبان کارخانهای ولایت انگلیس آدم مملکت بزرگ فرستاده اند و تفنگ و طپانچه وسط که در آنجا با آن میسازند خریدند و بولایت انگلیس آورده اند که شاید بتوانند تفنگ و طپانچه بسیارند که در ارزانی و کم قیمتی مقابل تفنگ و طپانچه مملکت بزرگ بیاید

از مملکت چین تبارنج چهارم رمضان نوشته اند که باغبان آن مملکت باز به دولت جنگ میکردند و دولت چین سزا بودند از عهد آنها بر ایند در دریای اطراف مملکت چین در این زمان بسیارند که کشتی تجار را تاخت مینمایند یکی از کشتیهای پادشاه انگلیس که در آن کشتیها بود عقب درازان را زور رفته بود و کشتی از دزدان را گرفته و متصرف شده در رودخانه کاشان چین سیل آمده بوده است و میگفتند که شصت هزار نفر با ده هزار نفر درین سیل تلف شده اند و لیکن آنها که در آنجا بوده اند اعراق میدهند و گمان میکنند که اینقدر آدم در آنجا تلف شده باشد و میگفتند که چند نفر از سیل بالمزبورداشته است از اهل چین بسیاری

کلی قاریا مسرفه اند و اهل چین بسیار تعجب میکردند که از کجا
 کلی قاریا چرا باید مانع آمدن این اشخاص باشد حاصل ایشم
 مملکت چین بسیار خوب بمل آمده بوده است و تجارت چای
 در ماه جون که از دوازدهم شعبان تا دوازدهم رمضان
 میباشد باین طور نوشته اند که در یک ماه یک طیان دیده
 و چهل و چهارصد بود چنانی بولایت انگلیس نوشته اند
 بودند که بوزن ایران تخمیناً دویست هزار خردار میشود و این غیر از
 چایست که از مملکت چین بسیار مملکت روی زمین میخوردند

در روزنامه گفته اند که تفصیل یک شش کشتی انگلیس که
 از بندر دستان به بندر ابوشهر و بصره می آید و غیر از مال تجارت
 دیگر هزار و شصت صندوق نخل در میانش بود نوشته شد
 این روزنامه ها نوشته اند که اعراب آنجا بعد از آنکه کشتی را
 غارت کرده بودند و اموالش را برده بودند کشتی را آتش زدند
 و سوزاندند در روزنامه که در بنیانی هند چاپ زده اند نوشته
 که دولت و چهل هزار تومان پول ایران در میان این کشتی بود
 که تلف شده است و در مال تجارت بود و چونکه امام تقی آن روز
 مدار که از محمد اعراب منور بر آید امید داشتند که دولت
 انگلیس خودشان کشتی و قشون بآنجا فرستند و اعراب بزور
 متبید نمایند که بعد ازین مال تجارت دست اندازی نکنند و فرق
 میان مال حرام و مال حلال بگذارند

درین روز با پول نقره زیاد از بسکی دنیای شمالی بولایت
 انگلیس آورده اند حتی امینکه نقره در آنجا کلمی که ادبهم رسانده
 اما درین روز این نقره را در آنجا میخیزند بجهت مالک شرقی
 خصوصاً بجهت هندوستان نقره که از ولایت بسکی دنیای

بولایت انگلیس آورده اند هیچ کس در ولایت که هر دو آید
 تخمیناً چهار هزار دینار پول ایران است که هیچ کس در ولایت
 دو کرد و تومان پول ایران می شود

از مملکت بطاویب نوشته اند که گرازها درین اوقات ضرر
 زیاد بزراعات آنجا میبرسانند و بعضی از مردم را هم
 کشته و زخمی کرده بودند و بولایت آنجا حکم کردند که کل
 بیرون آمدن بچکل سنجه سکار گراز برونده همه رعایا بچکل
 و در یکروز پنجاه و سیصد و نود و پنج گراز کشته بودند
 این گرازها را رعایای چین که در آنجا ساکن اند و سکار میخیزند
 و تیرانداز قابل اند زده بودند

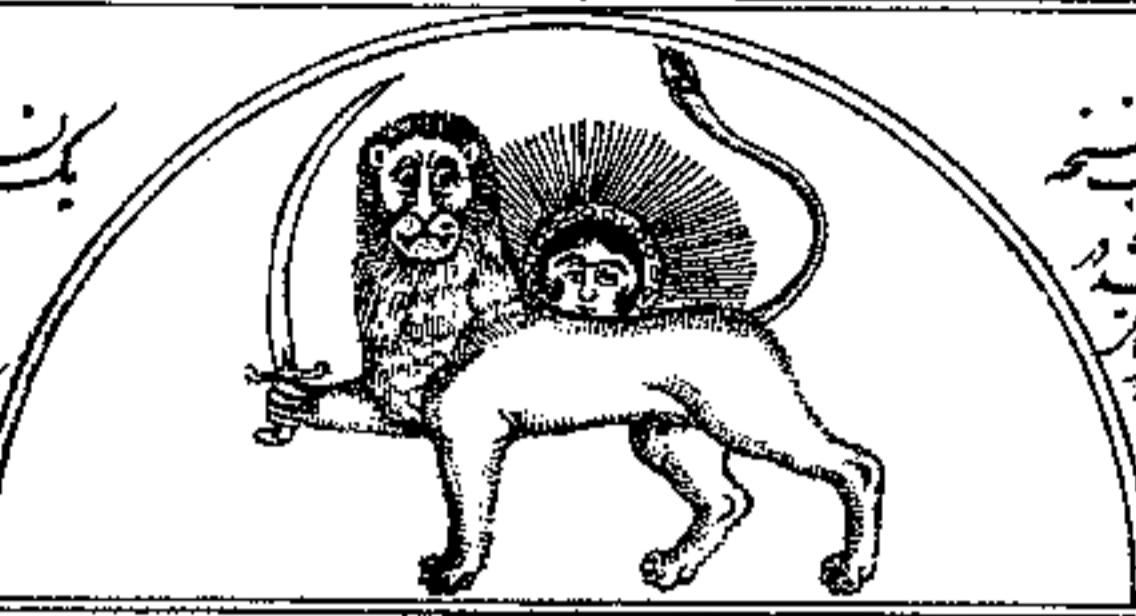
اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در محد نزدیک دروازه دولاب
 در کارخانه حاجی عبدالمجید باسپه استاد و دارالطباعت
 این روزنامه ها انطباع شده از اینتر فرودخته میشود

مجموع البیان	شش تومان	۱۰۰
تفسیر امام عسکری	یک تومان	۵۰
شاهنامه	چهار تومان و نیم	۱۰۰
معراج السعاده	دوازده هزار	۱۰۰
مختصر نظامی	نه هزار دینار	۱۰۰
جوهری	شش هزار دینار	۱۰۰
سالمک	شش تومان	۱۰۰
مدارک	سه تومان	۱۰۰
مشکول	هفت هزار	۱۰۰
فاموسس	دو تومان	۱۰۰
تفسیرنامه	چهار دینار	۱۰۰

روزنامه قایم اتفاقه تاریخ پنجشنبه هجری ۱۲۶۹ ماه صفر المظفر مطابق سال سیچان میل ۱۲۶۹

قیمت روزنامه
یک ششماهه
قیمت اعلانات
یک خط اول چهار خط
بیشتر بر هر خط



مزه فو و خمس
مرکز در طهران طالب نسخه
ازین روزنامهها باشد
بازار جدید در وکان
بلور و شش و ختمه

اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

بزرگ و شرفیاب شدن مفرمان دولت و جا کران
حضرت و نظیر القات و رحمت طو کانه در باره آنها و
نوب و زینورک بقرا که معمول این دولت قوی سوکت
علیه است بهارت سردرب دیو استخانه مبارکه که مشرف
بیدان ارک است تشریف آورده با رعام داوند و مستوم
سگه دار املا و از نظام و غیر نظام و نوکر و رعیت در میدان
ارک جمع شده اسباب طرب و شادمانی فراهم
آورند و وجود خابض ابجد اعلیحضرت پادشاهی را
نموده صغیر کبیر هر اسم دعا کونی و شکر گذاری را
بعل آورند
در روز دوشنبه دهم این ماه اعلیحضرت پادشاهی
سجده تفریح عمارت نیاداران شیران و غیره تشریف
بروند و نزدیک بزروب بهارت مبارکه ارک سلطان
معاودت فرمودند
در روز گذشته نواب شاهزاده احمد علی میرزا سجاد رحمت
ایزدی پوسته و حباب اشاره العیبه شاهزادگان عظام
و انسانی دولت علیه تسبیح جفازه او حاضر شده با کمال احترام

دارا خلفه طهران
در روز سه شنبه چهارم این ماه اعلیحضرت پادشاهی
بباغ میرزا بنی خان که در بهلوی بخارستان و حالایکی
باغات دیوانی و جانی با صفاست سجد تفریح و تماشا
طرف عصر تشریف فرما گردیدند و نزدیک بزروب
بهارت ارک سلطانی مراجعت فرمودند
در روز چهارشنبه پنجم این ماه بیان افواج
قاهره حاضر دارا خلفه مبارکه که در میدان مشق بیرون
دروازه دولت حاضر شده بودند تشریف برزد و پوچی
و سر باز و حضور حایون اعلیحضرت پادشاهی مشق کت
و شیلیک توپ و تفنگ نمودند و مشق آنها پسند خاطر طو کانه
گردیده مورد تحسین و نوازشات و مراحم خسروانی
در شب پنجشنبه ششم این ماه که شب مولود مسعود اعلیحضرت
پادشاهی بود حسب اشاره القیاس باب انشایی
از قورخانه حضور مبارکه آورده آن شب را چرخانی و آتش بازی
و عیش نموده و در پنجشنبه را بعد از سلام عام در دیوانخانه

امور استفتونی

فوج بزرگوارستان ابوالجهمی عالیجاه سید علیخان

سرتیپ در روز شنبه چهارم صفر در کازستان

حاضر شده بتان لشکر زبان عظام سید

و هم چنین فوج خلیج قسم ابوالجهمی عالیجاه شیخعلی خان

که از خدمت ساخلوی خراسان مراجعت کرده بودند

در روز مزبور سان دیده شده و حسب الامر از کازستان

مرخص گردیدند که خدی در خانه های خود استراحت نمایند

عالیجاهان سرکردگان مفضل که از نامور بخت خراسان

حسب الامر احضار بر کاب سبایون پادشاهی شده بودند و در

خلع آفتاب شعاع در حق آنها حجت گردید

عالیجاه پاشا خان سرتیپ افواج سمنان و دامغان جبهه

توب

عالیجاه علی علی خان سرتیپ فوج دامغانی شال ترمه

طاقه

عالیجاه محمد علیخان سرتیپ فوج قزوین قزاق داغ جبهه ترمه

توب

عالیجاه شیخعلیخان سرتیپ فوج خلیج قسم جبهه ترمه

توب

عالیجاه صفر علیخان سرتیپ سوار شایسون اینا لوجیه ترمه

توب

عالیجاه سیف الدین سرکرده سواره شایسون دویران شال ترمه

طاقه

سوار شایسون بغدادی بسر کردگی عالیجاه علیخان شایسون بغدادی

در روز دوشنبه سیم ماه صفر حسب الاخبار مایون کازستان

بیارک شرفیاب شده و مقرر است که سان آنها دیده شده

مرخص خانه شوند

افواج قدیم و جدید حجت که سرتیپ عالیجاه میرزا ابراهیم خان

حسب الامر احضار بر کاب مبارک شده بودند و در جبهه و چهارم

حاضر شدند و در دویم صفر که علیحضرت پادشاهی سید علی

مشق افواج قاهره بیرون شهر شرفیاب شده بودند و فوج

ملاحظه فرمودند و پسند خاطر مبارک افتاد و مقرر فرمودند که

فوج جدید را تفکک فاسق و سباب بکنند و لشکر پونان

سان آنها را دیده شود مشق شوند

عالیجاهان سرکردگان آذربایجانی که حسب الامر مایون فوج

د سواره خود بر کاب نصرت اقتداب شرفیاب شده بودند از

مخلع گردیدند

عالیجاه حسن خان سرتیپ فوج اردبیل و تالش شال ترمه

عالیجاه جواد خان سرکرده فوج سواره شغالی شال ترمه

عالیجاه مصطفی قلنجان شاطرانو شال ترمه

عالیجاه فتح الدخان سرکرده سواره کرمانی شال ترمه

در روز شنبه سیم ماه صفر که جناب عالیجاه عظم

بجبهه بازوید فورخانه و لبرستان خانه رفتند بعد از آن بیدان

توپخانه بجبهه ملاحظه مشق توپچیان آمدند و مقرر شد که انجانان

و میران بجه حضور داشتند توپچیان همه حاضر مشق بودند

و کمال حلقه دستی و چاکی در انداختن توب نموده مورد التفات

کمال گردیدند و انعام در حق آنها حجت شد

سایر ولایات

اگر ما شامان از فرار یک در روزنامه استخوان شده بودند

۵۶۲

این اوقات نواب شاهرزاده و امیران با مغلی میرزا حکمران
کرمانشاهان برای مزید انتظام طرق و شوارع چجاه نفر سوار
سبجانی را نامور کرده اند که با اتفاق سرباز متوجه و اربع
نظم راهها باشند و از فراری که نوشته بودند طرق و شوارع
کمال امنیت دارد

و در نوزدهم شهری که یکی مسیح نام و دیگری خانجان نام که
اموال بیعه دولت بینه روسته را سرقت نموده بودند و
در سفارتخانه مجبوس بودند مستحقین آنها غفلت کرده و
آن دو نفر و از محبتش فرار کرده بودند و بچکام و لایحه
از جبهه نواب امامعلی میرزا اسم نوشته شده بود که آن
دو نفر در راه هر کجا که باشند دستگیر نمایند از فراری که
این روزها نوشته بودند بعد از وصول حکم اولیای دولت
قاهره نواب معزی الیه خانه بخانه طوایف ایلات را در بیا
و کوشچی که داشته بودند که در تقصیر باشند در هر چه
محمود نام در خان بهتونی یکی از آن دو نفر را که مسیح نام بودند
معرف است در خانه خود گرفته خدمت نواب معزی الیه
آورده بود و آن در کرمانشاهان مجبوس است و از فراری که
نواب معزی الیه نوشته بودند نام در خان در گرفتن در
کمال رشادت را اهل آورده است

از غرایب امورات نوشته اند که در مرز برفت آباد که
از توابع ماردون آباد است خرمی که چجاه خردار کندم پاک کرده
داشت است و صاحبانش حاضر شده بود و اندک
حمل و نقل نمایند بیکه خرمین کندم مانند سنگ است
بسیخ افتاده و بزین فرود رفته بود بطوریکه روز دیگر چند ذریع
زمین را کندم بودند که آثاری از کندم پیدا نمایند معلوم

اشخاصی که در آنجا بوده اند از بزرگ و مالک از شدت وحشت
در هوش شده بودند و یکی از آنها فوت شده و بعضی نیز
ناخوش و فریب برفت پهاشند و از فرار روزنامه دیگر
که از آنجا نوشته بودند وقتی که رفته از زمین را چند ذریع کندم بودند
آثاری از کندم بود است در روز دیگر هر چه کاوش کرده کندم
بوده است آن نامه جزئی نیز بخلی معده دم و مسیح معلوم بوده است

مازندران
از فراری که در روزنامه آنجا نوشته بودند نواب شاهرزاده و امیران
مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران در انتظام امور ولایت در فاجعه
لازمه اتمام را دارند و این اوقات لیسان دستجات سواره کرده و
موقوف آنجا رسیدگی نموده اند بقدر دولت نفر که اسبهاشان
واقع نداشته است فسخ کرده بود که اسبهای خود را رافع نموده
با لباسای روان و شلاری که برای خود ترتیب داده بودند
مجدد لیسان حاضر شده و هزار نفر کینه با اسباب تمام
و اسبهای رافع کرده اند و داده بودند و همین دو باب کاخانه نگردد
که حسب حکم معترضه بود یکی در بار فرودش یکی در بار کندی خود و این اوقات
با تمام نواب معزی الیه با تمام سپه و همچنین چاهار خانه که در ساری و کاشان
حکم شده بود ساخته شود این اوقات مهران طرح آنها را بنحیه انداخته است
و عمل در کارند که با تمام سپه

اجبار دول خارجه
کانه آنکه از ترکستان سپه از پاریس پای تخت فرانس
نیم محرم بود اجباری که قابل نشستن در روزنامه باشد
در معذرت آنکه ترجمه نوشته خواهد شد
احوال متفرقه

۵۶۳

بولايت انگليس مي آورند تخمبنا سيمه هزار تومان بود
 اسال نژد يك سبه كرو مال از آنجا بولايت انگليس آمده است
 و اين غير از آن است كه ب ايرمالك و نكستان و هندوستان
 و ساير جاهاي روي زين برده اند سابقا كشتي با دواني
 كه با نجا ميرفت شش ماه يا نهمه ماه قشني طول مي كشيد
 كشتي نجا راه انداخته اند در مدت بمقنا و روز اين مسافت
 در روي دريا طلي ميكنند و نجا نژده زياد با بين فرنگستان
 و آن سمت معرب زمين مي كشيند سابقا كشتيهاي انگليس
 كل آن اطراف كه سواحل طلا بينا نژد كشت ميگردند كه مانع بود
 غلام و كنير بشوند حال بکل اهل و مي زمين اعلام کرده اند كه قشون
 از آنجا برداشته شده است و هر كس كه ميخواهد نجا در آنجا

بگن ما دون است

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در محله نژد یکی در وازه و دلا
 در کارخانه حاجي عبدالمجيد استاد دارالطباه اين روزها
 انطباع شده از اينقر و خوشه مي شود

۱۰۰	مجموع البیان	شش تومان
۵۰	تفسیر امام عسکری	یک تومان
۱۰۰	شاهنامه	چهار تومان و نیم
۱۰۰	معراج الشعاده	دوازده هزار
۱۰۰	ختمه نظامی	نه هزار دینار
۱۰۰	جوهری	شش هزار دینار
۱۰۰	سالك	شش تومان
۱۰۰	مدارك	سه تومان
۱۰۰	کشف	هفت هزار دینار

بعد از توقف کردن تجارت غلام و كنير سياه كه انيغز
 بسنگي دنيا ميروند حال تجارتهای ديگر سپاري شود
 سابقا اينطور بود و راه قاشيكه غلام و كنير ميروند و با هم الا
 كم و ميش اغتشاش در آنجا بود و مانع تجارت ديگري شده
 حال كه اين نجا رت موقوف و سپار كم شده است كشيها
 تجارت چند جاي روي زمين با نجا ميروند و هم مال
 و ميغروند و هم مال آنولايت را ميغزند و نفع خوب
 از اين تجارت حاصل ميشمايند از جمله اجناسي كه از آنولايت
 مي آورند عاج است و چوب انوس و صندل و سا
 چوبهاي كرسبري خصوصه چوبهائي كه رنگشان مصرف
 مي كشيند و موم و بجنيل و برنج و روغني كه از درخت بل
 و اين درخت در تركيب قدری مانند درخت خرمات
 و روغنش بسيار بكار مردم آنولايت و مردم و اول خارج
 مي آيد در ولايت خودشان اين روغن را عوض روغن
 كره مصرف مي كشيند چونكه در آن ولايت جو انات شير
 كم دارند و روغن كره بسيار كم باب است بلكه در بعضي جاها
 همچ بسم نميرسد اين روغن سپار بكار مردم آنولايت
 ميخورد و بولايت فرنگستان هم زياد ميبرند و اين روغن
 از ميوه مست مانند ما جيل و درختش قدری بدخت خرمات
 مانند است و جنگلي است سياههاي آن ممالك بار اورا
 مي چينند و روس را مي گيرند هم درميان خودشان
 مي كشيند هم بولايت خارج مفرستند اكثر تجارت
 آن سمت در دست انگليس و فرانسه است و هر دو نجا
 زياد در آنجا دارند سابقا قيمت مال كه سال بسال از آنولايت

روزنامه قایع اتفاقیه تاریخ روز شنبه بیستم ماه صفر المظفر مطابق سال سی و چهارم سنه ۱۲۶۹

وقت روزنامه
یکشنبه و یکشنبه و چهارشنبه
وقت اعلاآت
یکصد و هشتاد و پنج
تقدیر بخیر
بسیار با برکت



روزنامه و شنبه
بسیار در طهران طالب است
ازین روزنامه باشد
در بازار جدید در دکان
سید فتحی و فرزند
فروخته میشود

اخبار و احداث ملک محروسه پادشاهی

استفسار شده بود که در هر مومنی که کاشته شده
در هر طور عمل آمد است به بشرین روزنامه اعلام نمایند
از قراریکه عالیجاه میرزا فتحعلی خان ستوفی مذکور داشت
در بلوک خوار از تخم این پنبه بقدر پنج سیر داده بود
کاشته بودند از اینقدر تخم بقدر یک جزو در پنجاه
جوزق برداشته اند و دانه های جوزق را در بعضی از
بته های او کاشته اند و دلت و پنجاه و دو دلت و
و قریب سیصد دانه جوزق در یکدانه بته او بوده است
و این پنبه را اگر بقاعده منوجه بشوند یک سال که بکارند
تا پنج سال بار میدهد و سال دوم و سیم بار
بیشتر از سال اول خواهد بود و پنبه خود این ولایت را
زراعت کاران میدانند که از زمینی که بکند و از جوزق
اقطاباید چهار پنج من تخم بکارند و از پنج سیر تخم این
بکند و از پنجاه من که در سال اول عمل آمد باشد معلوم
که در زیاد آوردن حاصل تفاوت کلی با پنبه متعارف این
ولایت دارد و نواب شاهزاده علی قلی سیرت نیز ازین پنبه
در خانی آباد فرستاده و کاشته بودند و جوزق آنرا

دارانخلا و طهران
در روز چهارشنبه و از دهم این ماه اعلیحضرت
پادشاهی میدان مشق قشون نظام که از توپچی و سرباز
و سواره و در میدان نزدیک باسب و دوانی حاضر
شده بود و تشریف فرما گردیدند توپچی و سرباز و
سواره بقاعده نظامی در حضور مسایون مشق جنگ
مخلوبه کرده شبلیک توب و تفنگ در هر فوجی بسیار
نمودند و جلد دستی و چابکی آنهاستحسن و مقبول خاطر
ملوکانه افتاده با حاد و افراد قشون و صاحب منصبان
و غیره نوازشات و مراحم خسروانی شده و بجز
همایون بعد از رسیدگی تمام مشق و حرکت قشون نظام
با میرآباد تشریف برده و دوسه روز در آنجا اقامت فرمودند
و در روز یکشنبه شانزدهم این ماه بالشوکه و الاطلاق
بهارت مبارکه ارک سلطانی و مفر خلافت عظمی
تشریف فرما گردیدند
در باب پنبه یکی دنیا که در روزنامه گذشته از صاحبان
املاک که در اطراف دارانخلا و طهران کاشته بودند

۵۶۵

برای نوبت بزرگباشترین روزنامه فرستاده اند و انهای
 جوزق او درست تر از جوزق این ولایت پنبه اش بسیار
 نرست است و از قراریکه مذکور داشته بودند در هر سه اوصاف
 شت و صد و ده جوزق شمرده بوده اند و لکن از قراریکه معلوم
 میشود زمین خوار و بر منربنی که مثل اینجا باشد این پنبه
 بهتر بطل می آید و چون منظور اعلیحضرت پادشاهی این است
 که کاشتن این پنبه درین ولایت مستند اول و فواید آن ظاهر
 عموم رعایا و زراعت کاران بشود لکن از اشخاصی که این
 کاشتنه و بطل آورده اند خواهش میشود که هر یک در وقت
 ارتخس آن نوبت بزرگباشترین روزنامه فرستند که در میان
 سال آینده در میان سایر ملک داران و زراعت کاران
 مستند

این روز یک قطعه نشان نخل بالماس از مرتبه اول
 تیرپس از جانب سی ایچان اعلیحضرت پادشاهی در حق
 مغرب انخافان شارانیه رحمت گردید که آویزه بیکر معافیت
 خود نماید

تعبیر اجناس کولات و غیره در انخلاف طهران درین مضمون
 در این تقریر است

کندم با جود	کندم غریبه	کندم سود	کندم در اسی
۵۰۰	۵۰۰	۵۰۰	۵۰۰
برنج منور	برنج کزده	برنج سفید	برنج درخت
۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
کندم با جود	کندم غریبه	کندم سود	کندم در اسی
۵۰۰	۵۰۰	۵۰۰	۵۰۰
برنج منور	برنج کزده	برنج سفید	برنج درخت
۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
کندم با جود	کندم غریبه	کندم سود	کندم در اسی
۵۰۰	۵۰۰	۵۰۰	۵۰۰
برنج منور	برنج کزده	برنج سفید	برنج درخت
۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
کندم با جود	کندم غریبه	کندم سود	کندم در اسی
۵۰۰	۵۰۰	۵۰۰	۵۰۰
برنج منور	برنج کزده	برنج سفید	برنج درخت
۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
کندم با جود	کندم غریبه	کندم سود	کندم در اسی
۵۰۰	۵۰۰	۵۰۰	۵۰۰
برنج منور	برنج کزده	برنج سفید	برنج درخت
۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰

عالیجاه محمد صدیق خان پسر مرحوم پیر محمد خان طهیر المولد
 با چند نفر از خوانین افغان محض زیارت وجود فایض انجود
 اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی از هرات عازم راه
 گامون گردیده در روز پانزدهم این ماه وارد انخلاف
 طهران گردیدند و در روز چهارشنبه نوزدهم نوبت در جناب
 جلالت آب صدر اعظم آمدند و توفیر و احترام لازم
 از آنجا بعل آمد

چون مغرب انخافان سیرت سعید خان نوبت الملک و پیر جهان
 خارج در مجاری خدمات محوله بخود کمال سعی و اهتمام فرمایند
 بعل آورده بطوریکه مراتب کار دانی و کفایت او در نظر اقد
 مایون اعلیحضرت پادشاهی و اولیای دولت قاهره
 درجه قبول و استخنان یافتند و سزاوار القاعات
 و مراحم ملوکانه گردیده بلاحظه پاس خدمات او در

۵۶۶

استرآباد

از قراریکه در روزنامه انجمن نوشته شده بود شریف نام
که بزرگ طاغیه کوکلان است و عالیجاه مقرب انجمن
محمد و لیجان حاکم استرآباد را گرفته و بیت قلیچ خان
و قاضی کوکلان سپرده و الترام گرفته بود که من بعد مصد
هر رنگ و خلاف قاعده نشود درین اوقات که سوار طاغیه
که بغیرم تاخت و تاز بیرون آمده بود بمشالیه برای
انظار مراتب خدمتگذارانی خود با چند نفر از سوار کوکلان
سوار شده و سر راه ترکمانان که را گرفته با آنها مجادله
نموده است پانزده سر گرفته و سه نفر زنده دستگیر نمود
و مابقی سواره که شکست خورده بودند و لاؤمتنگو با فرار
نموده اند و مشالیه با پانزده سر و سه نفر سوار از آنجا
بکوکلان مراجعت کرده است

۴

۵۶۸

سپه شده بود می آندند چون از قراریکه نوشته بودند در
از روز جمعیت زیادی که تخمیناً قریب بیست هزار کس
می شده اند از دستة محلات و سینه زن و اهل مجلس
تقریب در آنجا جمع شده دستة هر محله میخواستند که زود
از دستة محله دیگر داخل گنبد شوند و بدین سبب شورش
و از دو حام زیاد می شده کوچ و گنبد کنجایش آن جمعیت را
نداشت شش هفت نفر از طفل و پیر در آن روز در زین
مانده بودند خبر بامیر الامرا العظام مقرب انجمن محمد حسن خان
سردار حکمران یزد و کرمان رسید بود فی الفور حکیم
فرستاده بود که آنها را معالجه کند از قراریکه نوشته بودند
چهار نفر از آنها را فصد کرده خوب نموده و بحال آورده بود
و سه نفر دیگر مرده بودند و مقرب انجمن مشالیه وجه
معتقدی از خود بپوشه آن سه نفر که هلاک شده بودند
داده بود

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه که در بیخند که شده از این ولایت
رسید نوشته بودند که در آنجا کمال امنیت و انتظام از
استقام و مراقبت لایب شاهزاده و الا تبار امانت علی میرزا
حکمران کرمانشاهان حاصل است و سرعت و چسبالی نسبت
بزمانهای سابق بسیار کم اتفاق می افتد و مسووم سنگنه
شاکر و دعاگوی ذات اقدس عا یون اعلی حضرت نویسنده
پادشاهی پیا شدند و انواع ماکولات در آنجا فراوان
از آن است از قراریکه نوشته بودند چند روزی بجهت نیاید
باران گندم تغییر بهم رساند و خزواری چیده شده بود بعد از آنکه
در او خرم باریان متوالی آمد حال تنزل کرده خزواری سه هزار شده است

قسم

از قراریکه در روزنامه قسم نوشته بودند امر انجمن از اتمام
اولیای دولت قاهره خوب منتظم است و عالیجاه
ذوالفقار خان امیر الحکومه هم و حاکم ساوه در نظم
ولایت و رسیدگی با امور عین نهایت تمام در امر
دارد و از هر کس خلاف قاعده بطور رسد بجز در آنجا
مقام رفیع آن برمی آید و بجهت استقامت مشالیه امر انجمن
بهرتر از سابق منتظم و مضبوط است

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند در روزگار
در شهر کرمان از خسیب محلات قاعده که متداول است
دستة جمع شده بیان ارک انجمن که بجهت تقریب داری

اخبار دول خارجه

فرانس

از قراریکه در روزنامه جریده اخبار دولت ستانچ پانزدهم
 محترم نوشته بودند لوی ناپلیان خود را پادشاهی فرانس
 برقرار کرده است لقب امپراطوری و تزارک میدیدند که او
 و اسبابی که لازم سلطنت است برای او برپا نمایند
 و این خبر را در روزنامه جریده اخبار دولت نوشته بودند
 و لکن بیاشترین روزنامه های طهران در روزنامه های دیگر
 ندیده اند و هنوز صریح نمیدانند

از قراریکه در روزنامه های این ولایت از احوالات دوک وین
 سردار کل قشون انگلیس که درین روزنامه نوشته شده است
 بسیار نوشته اند و بنا دارند که در کلیسای بزرگ شهر
 که سنت مارسیس نامند او را مدفون نمایند پادشاه
 انگلیس و کل اهل درخانه که مسراه او بوده اند تا یک هفته
 سببه حرمت او سباه پوشیده اند و کل خلق تا چند روز
 تغزیه داری او را نموده اند و در بعضی دول دیگر فرنگستان
 که دوک لنتین در آن دول منصب داشت خبر خوش
 که رسیده است تغزیه بقاعده نظامی برای او برپا نموده اند
 خصوصه در وینه پای تخت دولت استرجه که قشون بقا
 نظامی در آورده و تغزیه داری کرده اند مشارالیه سردار
 کل قشون انگلیس بود و بجای اولاد و اردینک را که یکی از
 سرداران قدیم انگلیس است و مدتی فرمانفرمای هندو
 بود درین روزنامه بزرگ قشون انگلیس که در آن
 بنا داشته اند که اهل مشورتخانه و کلای رعایا در پیش
 محترم در پای تخت لندن جمع بشوند

انگلیس

از قراریکه در روزنامه های این ولایت از احوالات دوک وین
 سردار کل قشون انگلیس که درین روزنامه نوشته شده است
 بسیار نوشته اند و بنا دارند که در کلیسای بزرگ شهر
 که سنت مارسیس نامند او را مدفون نمایند پادشاه
 انگلیس و کل اهل درخانه که مسراه او بوده اند تا یک هفته
 سببه حرمت او سباه پوشیده اند و کل خلق تا چند روز
 تغزیه داری او را نموده اند و در بعضی دول دیگر فرنگستان
 که دوک لنتین در آن دول منصب داشت خبر خوش
 که رسیده است تغزیه بقاعده نظامی برای او برپا نموده اند
 خصوصه در وینه پای تخت دولت استرجه که قشون بقا
 نظامی در آورده و تغزیه داری کرده اند مشارالیه سردار
 کل قشون انگلیس بود و بجای اولاد و اردینک را که یکی از
 سرداران قدیم انگلیس است و مدتی فرمانفرمای هندو
 بود درین روزنامه بزرگ قشون انگلیس که در آن
 بنا داشته اند که اهل مشورتخانه و کلای رعایا در پیش
 محترم در پای تخت لندن جمع بشوند

از قراریکه در روزنامه های این ولایت نوشته اند لوی ناپلیان در شهر
 و بلوکات فرانس تمهید مقدمه است برای اینکه فرانس را امپراطوری
 خود را در فرانس بگذارد

از قراریکه در روزنامه های این ولایت نوشته اند لوی ناپلیان در شهر
 و بلوکات فرانس تمهید مقدمه است برای اینکه فرانس را امپراطوری
 خود را در فرانس بگذارد

از قراریکه در روزنامه های این ولایت نوشته اند لوی ناپلیان در شهر
 و بلوکات فرانس تمهید مقدمه است برای اینکه فرانس را امپراطوری
 خود را در فرانس بگذارد

از قراریکه در روزنامه های این ولایت نوشته اند لوی ناپلیان در شهر
 و بلوکات فرانس تمهید مقدمه است برای اینکه فرانس را امپراطوری
 خود را در فرانس بگذارد

از قراریکه در روزنامه های این ولایت نوشته اند لوی ناپلیان در شهر
 و بلوکات فرانس تمهید مقدمه است برای اینکه فرانس را امپراطوری
 خود را در فرانس بگذارد

سازدینیه

از مملکت پیدا شد نوشتند که پادشاه آن مملکت که پادشاه ساردینیه نیز همین نام داشت چون حوز را در حاکمیت بجای خود جمع کرده بود قدری قشون و قصبه کشید و قدری در درویش جمع بر نورد و در دوزخ بود و در قشون از قصبه بیرون آمدند آن قشون که در دوراتجا رود و در بدین پیش آمده و مشق جنگ معلوم کردند و بنا داشتند که بعد ازین مشق قشون بدشت مرگ بر نوردند که در اتجا مشق قشون کلید نمایند

بنکی و نیای شمالی

موافق کاغذی که ازین ولایت نوشته اند اهل آن مملکت که سابقا در باب شیلات این حوزستان و دولت انگلیس جزئی بخش داشتند این روزها از گفتگوی زیاده که در میان خودشان میگردد آرام گرفته بودند و در گذارشات دیگر نیز گفتگوی سخنی نداشتند در اتجا شهرت داشتند است که اتجا میخواستند انداز ما تندی سابقی حله بخیر و گویند که اما از انسانی دولت خود مخفی داشتند و اگر نگاریم میباید اندیشه آن دولت خودشان بود و انگار میکردند گفتگوی زیاده که اهل مملکت بنکی و نیای شمالی در میان حوزستان داشته اند در برابرین مطلب بوده است که گراید بریاست و بزرگی دولت بنکی و نیای اختیار نمایند و برقرار کنند چونکه دولت آنها جمهوریست و رئیس بزرگشان چهار سال یکبار هر سال معین می شود و وقتی که مدتی تعیین کردن بزرگ

تا زنده نزدیک شد است مردم چند تیره شده اند و هر یک تیره میخوانند کسی را که خودشان پسند کرده اند بزرگ و دولت بشود و مملکت را میگیرند باین جهت گفتگو و بحث در میان خود دارند

در ولایت بنکی دنیا بسیار رود خانهای بزرگ و در باجهای آب شیرین است بلکه در هیچ یک از آنها روی زمین انقدر رود خانهای عزیز و عمیق نیست و این جهت تردد قلع و حمل نقل بارها بسیاری در کشتیها که در روی این رود خانها بر آید اندازند و اکثر این رود خانها بنم فرسوخ بیشتر عرض دارد و کشتیهای بنجا را که در این رودخان تردد مینمایند بسیار تند رود و سریع حرکت میکنند و صاحبان این کشتیها بجهت یکدیگر جنبی وقت اتفاق می افتد که چرخ بنجارش را چنان گرم می کنند و تند راندند که پیچهای آنها با روغن روغ که آتش میکشد و در یک ساعته می ترکد و کشتی را می شکند و بسیاری از مردم را که در میان نشسته اند کشته و زخمی میکنند در روزها میمانند که شسته اینطور اتفاق افتاده بود و نوشته بودند که چهار صد نفر در دریای اتریش که در مملکت بنکی در سیاه شمالی و ما بین اولاک پادشاه انگلیس و اولاک دولت بنکی واقع است تلف شده بودند حال درین رودخان نوشته اند که بیک کشتی دیگر همین طرد یک بنجارش ترکید است و سی نفر کشته شدند و نفرز خمدار کرده است و زخمی آن نیز بسیاری فریب لوبت میباشند و مکان نبت که خوب بشوند دولت درین خصوص بسیار سهل انجاری و اطال می نماید که کشتیها در تحقیق نماید

و بیمنند که این دیگها محکم و سخت ساخته شده است
 با نازک و مست و اگر کند شده باشد که از نازک
 استس در زیر او بیوز است و بدی را بر این عهد مردم
 طعشان غالب می شود و دستشان نسبت یکدیگر
 که گشتی دارند زیاد دیگر پروای تلف شدن و ترس
 جان خود و جان مردمی که در گشتی می نشاندند دارند
 و گشتیها را در کمال سرعت میرانند تا اینطور اتفاق
 می افتد که هم خودشان و هم آن چچا رکان از صبح
 و عزیزه که در آنجا نشاندند اندک و گشته و زحمت

یونان

در روزنامه های یونان نوشته بودند که پادشاه
 آن مملکت که مدتی در ممالک استیری و بواریه که وطن
 خودش میباشد و بعضی از ممالک دیگر نیز گشت
 و سیاحت میکرد بنا بوده است که درین روزها
 به آتن پای تخت خودش برآید

احوال استنفرد

در روزنامه اصمیر که اینها بسیار بسیار نوشته اند
 که مدتی اعلیٰ بیکی دنیای شمالی بنا دارند که عمارت
 بلور مانند عمارت بلوری که در لندن برپا شده بود
 در شهر نیویارک نیکی شمالی برپا نمایند و در سال آینده
 چهل روز بعد از عید نوروز گشوده می شود و درینست که
 بهمان خوبی و زینت و اساسی که در لندن گشوده شده بود
 آنها نیز برپا نمایند و دولت عثمانیه از اجناس و استند
 ولایت عثمانیه چنانکه بهارت بلور لندن فرستاده بودند
 بلکه از آنهم بیشتر بهارت بلور نیویارک نیکی دینا خواهند

سرستری وارد و حاکم هفت جزایر یونان که در زیر حمایت
 دولت انگلیس است با عیال خود بشهر اصمیر وارد شده
 و چند ساعت در آنجا مکث نموده و از آنجا روانه استانبول
 شده بود و در استانبول نیز کمی توقف نموده بعد از آن
 از راه یونان و آتن پای تخت آن مملکت بجای حکومت خود
 مراجعت خواهد نمود

در روزنامه اصمیر نوشته اند که چا پارامای دولتی عثمانیه
 که چا پار پوست خانه میگویند که مکتوبات خلق را میبرند
 بستی اصمیر می آید و از کلیک نزدیک بشهر بر سر
 می گذشتند و شده و زردان بر سر آنها ریخته بزرگ
 چا پارامارا با چند نفری که میسر او آورده است با کمال
 بیرحمی کشته اند سه نفر از کشیک چیان که ریخته و جان
 خود را سلامت بدر برده اند و یونان از استانبول
 و اصمیر حکم فرستاده اند که مقصرین را در هر کجا که باشند
 پیدا کنند و دستگیر نمایند و مستحقین دیوان آنچه
 بخواهند سعی و کوشش خواهند کرد بلکه مقصرین را بدست
 سلطان انجام خواهد داد

پرون فرستادن غله از اسکندریه و برون غله مصر
سغلی بان شهر قدغن بود سبب صادر کردن این حکم را
چنان میدانستند که اگر غله بقاعده معمول بی مانع از مصر
علیا بایسکندریه میرفت قاهره و بعضی از بلوکات آن
اطراف استلی غله میمانند

در کاغذ دیگر که از اسکندریه مصر نوشته بودند که تاریخ او
چهارده روز بعد از این کاغذ بود نوشته بودند که این سخن
برداشته شده است و لکن انقدر شده است که تاریخ
کاغذ پای تخت مصر خواه از دولتی و خواه از خلق از غله که
در آن روزها وارد شد پر شده اند و از تسویش کم بودن
غله در پای تخت مصر برون آمده اند

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در دارالطبایع حاجی عبدالمحمد با
در محله نزدیک دروازه دولاب انطباع شده از انقباض
فروختن میشود

۱	مجمع البیان	شش تومان
۲	تفسیر امام عسکری	یک تومان
۳	شاهنامه	چهار تومان و نیم
۴	معراج النعاده	دوازده هزار
۵	تخت نظامی	نه هزار و بیست
۶	جوهری	شهرار و بیست
۷	مسالك	شش تومان
۸	مدارک	سه تومان
۹	کشکول	هفت هزار و بیست
۱۰	فاموسس	دو تومان

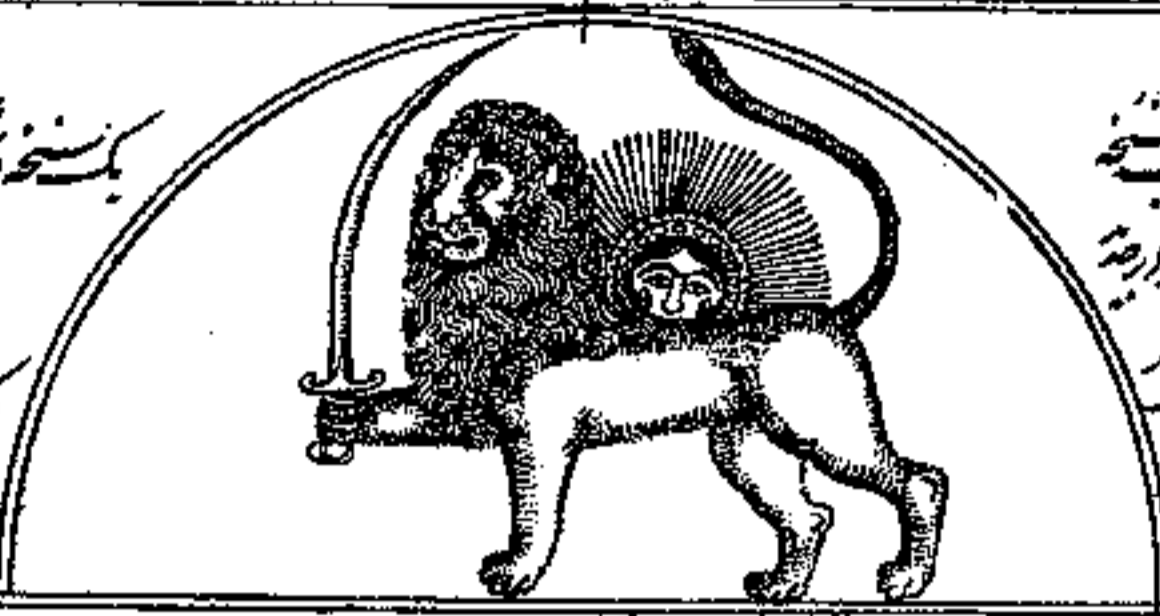
در باب آتش و شعله و معدن که اخته که در تابستان
گذشته از کوه ایتنه بیرون آمده است در روزنامه سابق
تفصیل آن نوشته شد این آتش و شعله که پرز و ازین
کوه بیرون آمده در تاریخ چهارم ذی قعدة بود و مزاق
خبری که از نیکی دنیا آمده است در همان روز در حافظت
در شهر سنیتیا کوه در جزیره کوبا است زلزله پرز و رشد بود
و تا چند روز بعد از آن زمین در آنجا متحرک بوده است اگرچه
کوه ایتنه در جزیره سنیتیا و در اقیانوس و بحر کنر مملکت ایتالیا
واقع است و شهر سنیتیا کوه در جزیره کوبا که داخل جزایر
بینکی دنیا است و فاصله در میان شان هجده هزار
فرسخ است و لکن چونکه در فرنگستان چنان میدانند
که زلزله نسبت بکوه سوزنده دارد و در سنیتیا
که کوه ایتنه و شهر سنیتیا کوهشان در زیر زمین بسم

مشعل باشد

در روزنامه اصمیر نوشته اند که عباس شاه حکمران مملکت
مصر در قاهره مضر بود و حکم صادر کرده و بکل قونولهای
دول خارج اعلام نموده بود که چون در مضر علیا غله کم است
چند وقت قدغن است که غله از شهر قاهره بگذرد و بایکینه
بزند چونکه تجارت عمده که در مضر میشود در غله است که از مضر
علیا بایسکندریه می آید و از آنجا تجارت دول خارج میخورد
و بخرای میبرند صد و این حکم که تجارت خارج را در اسکندریه
سپار مضرش کرده بود و بنا بود که هر چه گشتی در روز دین
مضر علیا می آید که بایسکندریه برود بارشان را در بولاق
نکرگاه قاهره خالی نمانند و در آنجا فروخته بشود لکن

روزنامه قاجار اتفاقی تاریخ روز شنبه بیست و هشتم ماه صفر المظفر سال سی و پنجم ۱۲۶۹

قیمت روزنامه
یک نسخه شش ماهی که پست و چهار هزار
قیمت اعلانات
یک خط ایضا هر خط یک هزار و پانصد
بیشتر یا کمتر هر خطی هر



نزد نو و هفتم
هر کس در طهران طالب است
از این روز تا چهارشنبه در بازار
در دو کانسید معنی غریب
فردش فروخته می شود

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه بیست و هشتم این ماه ^{علیحدت}
قوی شوکت پادشاهی با لشکر و الاجلال سوار ^{شده}
و نجف آباد که نزدیک دارالخلافه طهران است و
جانی خرم و با صفای باشد بجهت تفریح تشریف فرما
گردیدند و جناب مجدت و جلالت بصاب ^{عظم}
و سایر خدم و حشم نیز در موکب فریزی کوکب طایر
بودند و در آنجا چای صرف فرموده چند ساعت ^{تفریح}
و تفریح نمودند و نزدیک بعروب آفتاب از آنجا بجا
مایون معاودت بارک سلطانی و مقر خلافت ^{عظمی}
فرمودند

عنایت گردید در این روزنامه اشعاری شود که نشان
نیز بر بعضی جمعی شرح از مرتبه فرج بوده که ^{بمناسبت}
شاهزاده از جانب اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی
باعطای آن مزید خصاص یافت
دارالخلافه طهران از انتظام و استقامت او لبای دولت
قوی شوکت قاهره در کمال اہمیت است و عموم سکنه
از اعالی و ادانی در سایه رافت و رحمت اعلیحضرت
پادشاهی قرین سودگی و فراغت و مشغول شکر گذاری
و دعا گوئی این دولت جاوید مدت میباشند و درین
اوقات محترم و صفور اطلب و اگر تکایا و خانها مراسم
تعزیه داری جناب سید الشہدار ایشتر از سالهای
سابق معمول داشتند و در مساجد و کاروانسرا ^{بسیار}
مجالس تعزیه داری و روضه خوانی برپا داشتند و ^{بسیار}
محمد خان کلانتر چون در انتظام امر شد استقامت نموده
بسیب حسن سلوک و رفتار خود نسبت به مردم سکنه دارالخلافه
خاطر اولیای دولت قاهره را در خود راضی داشته بود درین ^{وقت}
یک شب چند ترمه لاک بویه مخلع بین الال قرین سرافرازی گردید

۵۷۳

سایر ولایات اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند یک نفر از آقایان جعفر نجری که بکرات در روزی کیر آمده و سال قبل نیز بر سر نموده و سبب شده بود با زاین روزها در محله پای قلعه در کرده بود او را گرفته حبس کردند تا حالجا چه را اعلی خان نایب اصفهان از مقر فریدن که مراجعت کرد در باره او حکم نماید

دیگر نوشته بودند که عالیجاه ابوالعاسم خان سرنگ فوج دماوند هر روز در میدان نقش جهان با سربازان و مضایق مشغول مشغول میباشند

دیگر در روزنامه اصفهان نوشته بودند که سید شاد دایه غید مولود سعید مسایون اعلیحضرت پادشاهی و با زار در سلطنت اصفهان راه روز سه شب این سینه و چراغان کردند و خلق نمینت این روز مبارک عیش کرده و بذل مال بقدر نمودند مخصوص عالیجاه ععلیخان

نایب الحکومه اصفهان از فریدن بعالیجاه میرزا و لجنان پسر خود نوشته بود که باید شکر گذاری این بوم سعود ضیاء خلق و اطعام ساکین و آتش بازی عیش بشود عالیجاه سار ایسم از قرار نوشته نایب الحکومه بلکه بهتر و خوبتر یک شب در عمارت خلد برین اصفهان جمع کثیر از چاکران دیوانی و غیره را صیافت نموده فقرات و مضایق اطعام کرده و در میدان چهار حوض آتش بازی عیش نمودند

دیگر نوشته بودند که در دو سه چهار چند نفر طفل گرفته بودند سه نفر ایشان وارد کتب خانه شدند تا کما

سقف کتب خانه خراب شده و هر سه در زیر خراب مانده بودند پس از آنکه خاک را عقب کرده بودند یکی از آن اطفال وفات کرده و دو نفر دیگر زنده بودند

خراسان

از قراریکه در روزنامه انجا نوشته بودند که بلای حسین نامی در محله قزاقچه و قبل از رفتن بکربلا پانصد تن از مال خود به سیرنگ بجای حاج محمد ابراهیم محمد زار معاصحه نموده و او هم این مبلغ را صرف کرده که در بیرون دروازه سبزوار مخدوم بود نموده که زوار و تامل در آنجا منزل نمایند

سیستان

از قراریکه در روزنامه سیستان نوشته شده بود در یکی از دعات آنجا که موسوم به سنگه است شخصی مرضی دق گرفتار بوده و از معالجات طبیبای آنجا هیچ نتیجه نسودی برای او حاصل نشده از کثرت استیلا هم غم بصحرارفته بود در آنجا عطش بر او غالب شده و از چوپان قدری شیر گرفته آشامیده و بقیه آنرا در ظرف گذاشته با سترحت مشغول شد بود و هنوز سحر ازفته دیده بود که ماری قوی جنبه از سوراخی بیرون آمده و سبب طرف آمد و شیر را تمامه خورده بعد در همان ظرفی که در وقت شش مدوق که از زندگانی خود جنگ آمده بود بعد از مشاهده این حادثه آمد و شیر را نوشید بود و بقصد اینکه از سمیت او میرد و از آن مرض خلاص شود از آنجا که مشیت از وی بر شفا و صحت اطفال گرفته بود از قراریکه نوشته بودند پس از خوردن آن شیر آثار سبودی و شفا در خود مشاهده کرده بعد از دو ساعت آن مرض با اطفال از ارفع شده بود و این کیفیت در صورت صدق نظیر حکایتی است که در عصر حکیم الهی افلاطون برای شخصی بهین سخاوتی افتاده بود

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته شده بود
 امر آنجا از اتهامات اولیای دولت قاهره مشتق و منظم است
 و نواب شاهزاده و آقا مبارک را مقلی میرزا حکمران کرمانشاهان
 در انتظام امر ولایت و تمهید اسباب امنیت فوق العاده
 اهتمام دارند و اگر بر سبیل بذرت از کسی خلاف قاعده
 و سرعت صادر شود بجز استحضار به مقام رفع و دفع
 آن برمی آیند از جمله از قراریکه نوشته بودند شخصی نامشکن
 ماویانی بیازار اسب فروشان آورده بود که بفروشد
 شخصی طالب شد که بجز در حجه امتحان راه و دو مادیان
 سوار شده و یکدفعه تا زیاده زده مادیان را بیک طرفه
 از نظر غایب کرد و احدی از او سراغ پیدا نکرد نواب معز
 بجز استحضار بر این معنی بحسب طالعیه و مزایع آدم فرستاد
 که آن شخص را پیدا کرده بیاورند از قراریکه نوشته بودند
 همان شخص سابق را با مادیان گرفته دست بسته آوردند
 نواب معز ایله از آن شخص تمهید کامل بعمل آورده مادیان
 بصاحبش رد کردند

و سر باز قلعه رنجیری نبودند همه ما نام در معض تلف بودیم
 و گفته بود که این صاحب منصب و سر باز مثل صاحب
 و سر باز خوب ددل فرمکتان است سهل است در ^{نگینان}
 هم از اینها رسیده تر و بهتر صاحب منصب و نوکر پیدی انوشیروانی
 دیگر نوشته بودند که امر سر باز و افواج کرمانشاهان در
 کمال انتظام و انضباط است و سواره مشغول مشق
 و اموزختن آداب و قواعد نظامی هستند و در کمال نظم ^{کنت}
 میکنند از جمله فوج کردند ابو اجمعی عالیجاه جیایا تعلق خان
 از مقیم قیعه الی بیت چشم محرم در خارج شهر
 چادر زده مشغول مشق بودند با آنکه چادر آنها در نزدیکی ^{بانت}
 واقع بوده اصلا بیک خوش انکور دست دراز کرده
 بودند سهل است صاحبان باغ هم از تعیین مستحقین
 که همیشه در باغ بیاشدستغنی بودند

و همچنین فوج زککنه همه در شهر مشغول مشق بودند و در
 کمال نظم حرکت میکردند و از احدی خلاف قاعده
 ناشی و صادر نمی شد و قواعد مشق را بسیار خوب یاد
 گرفته اند و رایام عاشوراء مرخص خانه شدند از قراریکه
 نوشته شده بود فوج الی بیک یاد تو پچانه در کمال
 نظم و سلوک حرکت میکنند و هیچ وجه خلاف قاعده از
 تو پچیان ابو اجمعی او بطور نیرسد و هر روزه در میدان ^{تخت}
 مشغول مشق هستند سوار کلیانی ششصد و چجاه نفر ابو اجمعی عالیجاه
 اسد الله خان در بیت چهارم محرم و خارج شهران داده بودند و
 با اسب بسیار خوبت سان گذشته بودند که بعضی که اسبشان خوب بود
 نواب شاهزاده قرار داده بودند که تبدیل نموده بسبهای خوب باغ نمایند

از قراریکه نوشته شده بود یکصد نفر سر باز قلعه رنجیری
 ابو اجمعی اسد الله خان که با بختیار سلطان مامور ^{فقط}
 قصر شیرین بوده اند در حفظ مترودین لازم است تمام را
 بعمل آورده اند از جمله این اوقات چند نفر از طوایف ^{جان}
 و غیره بر سر قافله ریخته بودند بختیار سلطان و سربازان
 قلعه رنجیری کمال رشادت و جلالت در دفع آنها ظاهر
 کرده بودند چنانکه بکتر صاحب انگلیس که در میان آنها بوده
 در خدمت نواب شاهزاده مذکور داشته بود که اگر بختیار ^{سلطان}

۵۷۵

فارس

از فراری که در روزنامه فارس نوشته بودند چند نفر از
الواط و شایرین خرد را آنجا نسبت به حاجی محمد باشم خان
و یوان یکی خلاف حرمت کرده بودند نواب کامیاب شاهزاده
والایب نصره الدوله فیروز میرزا صاحب اختیار مملکت فارس
مقصرین را احکام و تنها از یکدیگر یکی و کد حدایان محلات شیراز
خواسته بودند در نظر آنها بدست آمد قتیبه سیاست شد
در زمانم که از الواط مشهور و سرینک مقصرین بود فرار بنویسند
سبار که نموده و از آنجا خواسته بود بجای دیگر فرار نماید آورده
کرده بنزد نواب نصره الدوله آوردند و نواب معزی ای حکم بحسب
ابدی او نمودند و مسوم کنند شیراز چون شرارت و اذیت
از او دیده بودند از گرفتار شدن او اظهار خورسندی و
شکر گذاری نمودند و این شخص بدزدی و سفک دما
و شرارت مشهور بود و نواب نصره الدوله مراتب شرارت
قتل نفس او را آنجا کپی اعلیحضرت پادشاهی معروض داشته
بود حسب الاشارة العلیه مقرر شد که نواب معزی ای او را
در محال بنی اعمال تا ثابت خود برساند

از فراری که در روزنامه نوشته بودند نواب شاهزاده
نصره الدوله عالیجاه رضاقلیخان سرینک فرج عرب باغی با
مأمور با نظام صفحات لار سبج و بنا در ات نموده
که آن صفحات را نظم بد

در روز عید غدیر در شیراز شبیکه عید را نموده اند و مجلس
نواب نصره الدوله خطبه بنام اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی
خوانده شده و بعد از آن سر باران شقایق در میدان در رخا
در حضور نواب نصره الدوله مشق نظامی نموده اند و نواب معزی ای

جیده تر مدلبوس جو ذرا با ایجاد فاسخان سرینک فرج
شقایق خلعت داده اند

عالیجاه لطفعلی خان سرینک فرج مدانی با سر باران جمعی
که مأمور با خلوی فارس بودند از فراری که نوشته اند
در عتره محرم از آنجا محض و روانه اوطان خود گردیده اند

عصای مضع که اولیای دولت قاهره حسب الاشارة
بجبهه سرافرازی و افتخار مقرب آنجا قان حاجی قوام الملک
نموده بودند در روز دهم ماه محرم نواب شاهزاده
عصای مزبور را مقرب آنجا قان مشارالیه داده اند

از فراری که نوشته بودند در چهارم ماه محرم عالیجاه اقا
سرینک فرج بهادران با سر باران با جمعی خود در کمال
اراستگی و استعداد وارد شیراز شده اند

دیگر نوشته بودند که بنامین رعایای قصبه کازرون در رعایا
بلوک خشت که دو بلوک متصل یکدیگر میباشد نزاع واقع شده
و یک نفر مقتول گردیده بود نواب شاهزاده نصره الدوله محصل
فرستاده اند که طرفین را بشیراز آورده رسیدگی نمایند که از
هر طرف تقصیر ظاهر شود سیاست نمایند

حاجی محمد رضاخان جبری بواسطه اینکه همیشه طریقه او تقش و نمانجا
بود در این اوقات که بشیراز آمده بود باز دست از طریقه و
طلبیفت و شعار ذمینه خود برنداشته در مجالس و محافل
بنای تقش و بد حرفی گذاشته بود نواب شاهزاده نصره
حکم کرده اند که یکصد تومان جریمه از او گرفته و او را احکام
از فارس اخراج و روانه عتبات عالیات نمایند که
ولایت فارس از تقش و این باشد

۵۷۶

اخبار دول خارج

انگلیس پادشاه انگلیس که مدتی در شمال آن
ملکت در عمارت شکارگاه آنجا توقف داشت از آنجا بجا
نشین خود که پیشتر بنامند و نزدیک شهر لندن است
مراجعت کرده بود

روس

در روزنامه که لبتیک کرت میماند نوشته اند که
روس در تاریخ بیت و نیم ذی قعدة از پای تخت
سنت پترزبورگ بیرون آمده بود که در ممالک وسط
روستیه گشت و سیاحت نماید و شاهزادگان عظام
ایران دوک نیکولائی و کران دوک نیشل بک و پیش از
امپراطور بیرون آمده بودند و بنا بود که همراه او سفر نمایند

از فرار یک در روزنامه های فرانسه نوشته بودند که کارخان
قدسازی که از آب چند میسازند درین روزها در ملک
روس بسیار ترقی کرده است میت و پنج سال پیش ازین
در کل نوشته دو کارخانه قدسازی بود و شش سال
پیش ازین که حساب کارخانهای قدساز را کردند و پیش
کارخانه بزرگ برافه افتاده بود و این قدسازی منفعت زیاد
بجده صاحبان کارخانها میکند یعنی است که روز بروز ترقی

فرانسه

در روزنامه فرانسه از تفصیل گشت و سیاحت
لویی ناپلیان در شهرها و بلوکات آن ملک بسیار نوشته اند
در هر جایی که رفته بود اعیان شهر و رعایا از بزرگ و کوچک
همه بیرون آمده و با کمال احترام و خدمتگذاری او را پیشوا

کرده بودند و در هر جایی معانی سنگین تراک نموده و با
وسایل اسباب عیشین برای او حاضر و مهیا کرده بودند
و نمستان فاعده است و متشکک پادشاه یا شخص بزرگی
از جانی عبور میکند خلوت سلامت می او صد البته می کنند که
پادشاه سلامت باشد و عبور لویی ناپلیان در اکثر
جاها در عوض امین که صد اکتند که لویی ناپلیان با رئیس
دولت فرانسه سلامت باشد صد البته کرده اند که
امپراطور ناپلیان سیم سلامت باشد و من اهل فرانسه نظر
که لویی ناپلیان به پادشاهی آن ولایت برسد بلقب منصب
امپراطوری ایام اول مأموریت لویی ناپلیان بریاست
تبارخ فزنی و ردیم و ستمبر بود که میت روز پنجم
مانده بود حال خلق چنان جنال می کنند که بنا بر این است
که در همان دویم و ستمبر که بریاست منصب باز در
بیادشاهی و امپراطوری برقرار شود و درین سال در
دستبر بقاعده فزنی در روز پنجم مهیم ماه صفر
اشخاصی که از جمله بدخواهان لویی ناپلیان بودند بنا داشتند که
در شهر سترینز او را بکشند و بعد دولت را بر جسم زده
در بین افتخارش خیال افساد و شرارت خود را ظاهر ساخته
منظور خود را پیش برندانمای دولت مخبر شدند و آن
اشخاص را با اسلحه و اسبابی که داشتند گرفتند
حال در تحمین اند که معلوم نماند که این اشخاص در این راه
محرک و شریک مسم مصلحت دیگر داشته اند یا نه
در وقتی که لویی ناپلیان در شهر پردو توقف داشت شخصی

۵۷۷

از جمله اعیان و بزرگان آنجا حضور لوی ناپلیان آمده
 و اینطور تکلم کرده بود که مملکت فرانسه کمال اعتناش
 بی نظمی و اختلال در پشانی احوالی داشت لوی ناپلیان
 آمد و رئیس این مملکت شد نظم و انبیت درین ولایت گذاشت
 و خلق در سایه دولت او همه این اند و خوش میگذرانند
 و ولایت بسبب این انبیت یونانی و ماری و تبری است تا
 اهل فرانسه اطمینان و خاطر بسعی می خوانند و طالب اند
 که این انبیت همیشه مستدام باشد و وعده و وعده و وعده
 گذاشته باشد ازین جهت همه خواستش می کنند که
 لوی ناپلیان پادشاه این مملکت باشد بقیه امیران
 و امیران طور ناپلیان سلامت باشد لوی ناپلیان در چنان
 گفته بود که منظور من در سیاحت کردن در بلوکات فرانسه
 این بود که اوضاع و احوال اهل این ممالک را مستحضر شوم
 و اطلاع بهم برسانم بسیار جایها دیده ام و گشت کرده ام
 بسیار خوشحال شدم که در آخر سفر خود بشهر عظیم معتبر که
 برد و است رسیدم و در هر جایی که گشت کردم زری و
 آرزوی خلق در خصوص من معلوم و آشکار شده است چه
 حال پشانی باز شده و بیانی بهم رسانده اند
 فئیده اند که سابقا چگونه جنالات باطل کرده بوده اند
 و میدانند که من بیدق فرانسه را بالا کرده ام و ولایت سلطنتی
 و انبیت دید بعضی اشخاص جناب می کنند که اگر فاعده امیران
 درین مملکت دوباره برقرار شود علامت جنگ است من
 میگویم که علامت صلح است مملکت فرانسه انبیت و صلح
 طالب اند و اگر کل عالم انبیت و صلح میداشت اهل فرانسه
 بیشتر خوشتر شدند و خوشتر میشوند

۵۷۸

این گفتگوی لوی ناپلیان را در کل روزنامه های وقت
 چاپ زده اند چونکه تا آنوقت در باب پادشاه شدن
 خودش آشکار نمی گفت و بعضی از اهل دول خارج نیز بکار
 میکردند که اگر لوی ناپلیان با امیران طوری مملکت فرانسه بر
 نشویش جنگ و برسم خوردگی خواهد بود اما از گفتگویی که در
 شهر برده و کرده است در بی اطمینان بهم رسیده است
 موافق روزنامه آخر که از پاریس بیای تحت فرانسه آمد لوی ناپلیان
 بعبارت سنت کلود که یکی از عمارت سلطانی نزدیک
 بیای تحت فرانسه است مراجعت کرده بود

استریت

امیران طور استریت باز در ممالک خودش گشت میکرد
 تماشا می شن و حرکت قشون را می نمود و از هر سبب کار
 این دولت رو تبری بود و اعتبارش بیشتر شده بود
 داد و ستد و یوانی فرانسی که داشته بودند که سبب آن
 قرار اعتبارشان در دول خارج بیشتر شده بود و لکن در
 مملکت ایتالیا با نیت نظر اعتناش بودند معتمدین که
 در خارج نشسته اند پوسته سعی و کوشش میکردند که در
 جنگ در آن مملکت برپا کنند که بلکه بعضی از ممالک آن
 از حیثه تصرف دولت استریت بیرون بیاید بسیاری
 از مردم را در آنجا بکار دارند که با مفیدین هم
 بوده باشند گفتند و حسن کردند و در هر خصوص نظام
 خودشان اینست که ده بودند

سویدن

در شهر استاکهوم بیای تحت مملکت سویدن اعتناش غریب
 شده بوده است جهودی بزاز در کوچه راه میرفته است شخصی

از راه ریشخندان جو در سلام داده و سرفرو و او زود
 بود آن جو و با چوبی که در دست داشته است آن شخص را
 بسیار زده بود بعد از آن مردم حسیع شده و آن جو را
 بسیار زده بودند بعد چاکران دیوان جیح شده مضمون
 گرفتند و مشغول تحقیق شدند و معلوم کردند که آن شخص که
 از راه استر او سخریه بجهت سلام داده بود چیزی بود
 آن جو و چاپ زده و در میان خلق منتشر کرده بوده است
 که نسبت بجهت زور کذب و افترا بوده است و چون که
 گفتن و دروغ نوشتن در خصوص کسی بطوری که ضرر بآورد
 در کل فرنگستان قبیله دارد و یو انیان آنجا آن جو در
 محق دانسته و آن شخص را حبس و جریمه کردند خلق در این
 مقدمه بسیار بخندند و برخاستند و میخواهند بجهت
 پادشاه را بشکنند و یو انیان نظام در آوردند و خلق را
 متفرق کردند و بسیاری از ایشان را گرفته بچوبس نمودند
 و قبیله هم خوانند نمود اما تا چند روز اعتدالش تمام
 میان آن شهر بود

سایر ممالک فرنگستان

در روزنامهها که از سایر ممالک فرنگستان رسیدگی
 که قابل نوشتن در روزنامه باشد نبود ناخوشی و با
 مملکت له بوده و از آنجا کم شده است و در پر و شنبه
 کرده و سمت مغرب میرفته است در انگلیس و فرانسه و سایر
 ممالک آن سمت مدارک پارخانها و پاکیزه نگاهداشتن
 کوچهها و شهرها و حاضر کردن اطباء و غیره را میدیدند که اگر در
 بروز بکنند بی مدارک نباشند و در خصوص که خستین باز
 دستور است بود بعضی میخواهند که خستین بگذارند و بعضی

میگفتند که بی فایده است زیرا که این ناخوشی در هواست
 و از دست زدن و ملاحظات سرتیپ میکند
 در اطراف مملکت انگلیس و فرانسه و در دریای شمالی و در دریای
 بالیتیک در آیام اوایل پائیز طوفان زیاد شده بود و
 بسیاری از کشتیها در آن سمت غرق شده بودند و در
 دریای بالیتیک دو کشتی بخار و ولت روس کم مانده
 بود که درین طوفان غرق بشوند یکی از قرانتا و باستین
 دیگری که چارخانه میسر و لنگر بزرگش شکسته و بیک
 خورده بود اما در آوردند و در جای دیگر هم لنگر انداخته
 بود و آنم شکست میگویند که سر مینک این کشتی کجا رسیده
 بعجل آورده بود و در قوه کم کسی بود که در چنین طوفان بکشتی
 بتواند سلامت بیرون آورد

کشتی بخار که از شهر دینین مملکت اریکت بشهر کلز که مملکت
 ایسکاندینا میرفت چونکه باد مخالف بود سر کشتی بطرف امواج
 بود و بزور جوش بخارش راه میرفت امواج زیاد بالایا
 کشتی آمد بود اتفاقا در میان کشتی کا و بسیار بود که از
 شهر بشهر میزدند و کم مانده بود که همه تلف بشوند دیدند که
 پیش رفتن ممکن نیست سر کشتی را بر گردانند و مراجعت بملکت
 ایرلند کردند در خود شهر دینین هم چنین طوفانی شد بود
 که بچاکس اینگونه طوفان یاد ندارد حتی در میان لنگرگاه
 که بچه کشتیها ساخته اند که از صدمه تلاطم امواج محفوظ باشند
 از شدت باد در آنجا نیز صدمه زیاد بکشتیها رسیده بود

هندوستان

بعد از کانغدا آخر که در روزنامه ترجمه شده است جنگ
 مابین قشون انگلیس و اهل رنگون شده بود و فرمانفرمای

۵۷۹

هندوستان پانچا آمده و کی در آنجا توقف کرده و در
 حال مردم میدانند که قشون انگلیس میان ولایت برمه حواله
 رفت یا نه از طرف اهل رنگون قشون زیاد جمع میکردند
 و لکن از طوریکه تا بحال جنگ کرده اند معلوم نیست که در میدان
 جنگ چندان کاری بتوانند بکنند چند فوج قشون این
 در مدتش حاضر کرده بودند که برنگون بفرستند حال
 فرستادن این قشون را موقوف کرده اند و مردم چنان
 میدانند که موقوف کردن قشون مزبور ازین سبب است
 که قشونی که انگلیس در مملکت رنگون دارند کفایت تمام
 جنگ را بکنند سابقا در بعضی از روزنامهها نوشته بود
 که در نیست که دولت انگلیس ازین مملکت متصرف بشوند
 و نگاه بدارند و لکن حال گمان ندارند که چنین کاری بکنند
 زیرا که اخراجاتشان زیاد خواهد شد و مداخلشان کم
 معاطات است بر ضروری منفعت اگر رسم از آن ولایت
 متصرف بشوند مملکت پیکور انصرف خواهند کرد که سابقا
 ولایتی جداگانه بود بعد بدست اهل رنگون افتاد و کمال
 ظلم از اهل رنگون دیدند و راضی باین میشوند که در زیر
 دولت انگلیس باشند و لکن از فراریکه در روزنامهها
 بیان دلائل که سابقا نوشته شده است دولت انگلیس
 چنین کاری نخواهند کرد
 طوایف سرحدشین سمت پشاور پنجاب باز اغتشاش
 در آن سرحدات میگردند سرگردان کلپس که در آن
 سمتها بودند گاهی بعضی آنها قشون میفرستادند که
 آنها را تیبه نمایند بعضی اوقات تیبه می نمودند و بعضی اوقات
 از بسکه طایفه های مزبور جلد حرکت بودند و جای شان سخت

۵۸۰

بود کوشش قشون انگلیس بجائی نمیرسید و با آنها نمیرسید
 احوالات متفرقه

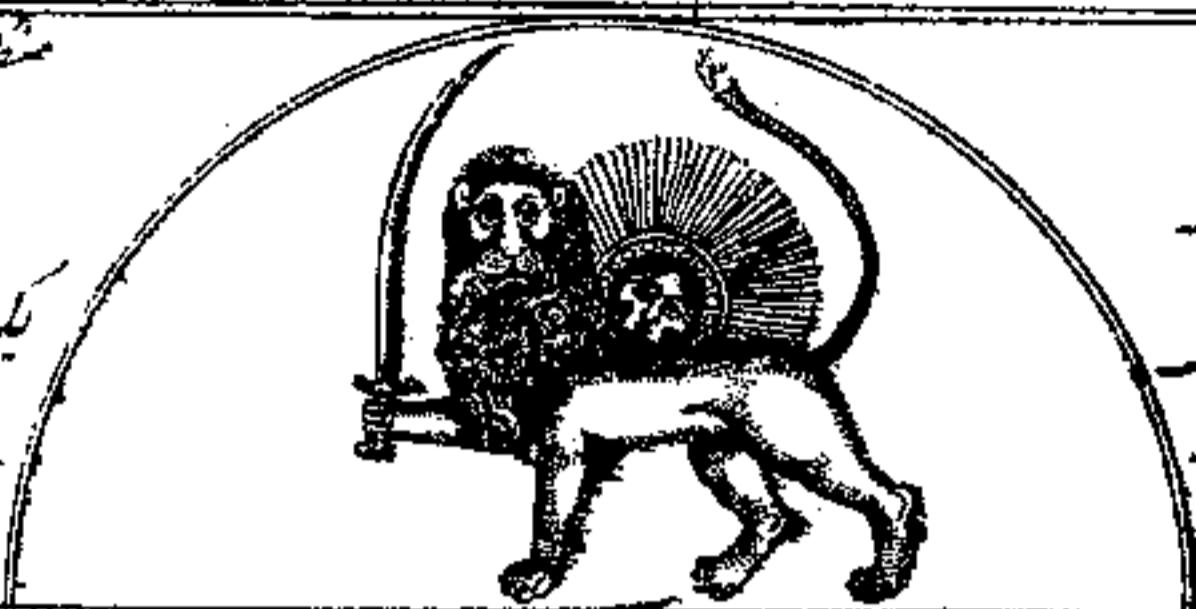
روز برق کامکاهی که ببارست و غیره بخورد مشهور است درین
 کشتی نزدیک لشکرمانه میان طوفان و رعد و برق افتاد
 بود باد شدت کرد و غمان کشتی را از اختیار آنها برود
 برد و درین بین برق بسری کشتی خورده و پانچین آمد و کشتی از
 عقب تا پیش شکافت شده دو پارچه گردید و همان ساعت
 غرق شد چهارده نفر کشتیمان و دو نفر سیاح در میان
 آب غرق شدند صاحب کشتی نیز زیر آب رفت اما
 وقتی که بالا آمد دشمن برنخته رسیده بعد ساعت در
 روی آب مانده بود تا اهل کشتی کوچک از جزیره مانده
 آمدند او را از آب در آوردند و مابقی از مال و آدم هر چه در
 کشتی بود غرق و تلف شدند

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالحمداستان
 دارالطباعت این روزنامهها در مجلد نزدیک دروازه دولاب
 انطباع شده از این قرار فرودخته میشود
 مجمع البیان شش تومان ۲۰۰
 تفسیر امام حسن عسکری یک تومان ۱۰۰
 شاننامه چهار تومان نیم ۱۰۰
 معراج السعاده دوازده هزار ۱۰۰
 حقه نظامی نه هزار و دینار ۱۰۰
 جوهری شش هزار و نیم ۱۰۰
 سالک شش تومان ۲۰۰
 مدارک سه تومان ۱۰۰

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه پنجم ماه ربیع الاول مطابق سال سیمچان میل

مستطبه و اخلاص طهران
قیمت اعلانات
یک سطر الی چهار سطر یکبار
بیشتر هر سطر کمتر



نزد پنجم
قیمت روزنامه
یک سطر و شش
یک سطر و چهار

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه غره ماه ربیع الاول اعلیحضرت قوی شکست
پادشاهی میدان مشق خارج دروازه دولت که افواج
قاهره از توپچی و سرباز و سواره نظام حاضر مشق شده
بودند تشریف فرما گردیدند و کل میران پنج و سیصد و
سرومکان در رکاب مبارک بودند و چند عراده توپ
و چهاره توپچیان بجهت امتحان بار و طو و نشان حاضر کرده
بودند و چند تبر توپ و چهاره انداختند و بسیار مستحسن
رای مبارک افتاده و سبب جلد رسانی توپچیان و چابکی
افواج و مشق و حرکت که نسبت سابق تفاوت کلی کرده
بودند مورد انعام و تحسن و نوازشات خسروانی گردیدند
و اعلیحضرت پادشاهی بعد از رسیدگی مشق افواج قاهره
بباغ لاله زار تشریف برده بنا را در آنجا صرف فرمودند
از آنجا موکب ها بون از برای تفریح نسبت قصر جا روان
اطراف تشریف برده وقت عصر ببارت مبارک که ارک
مراجعت فرمودند
در رتبه دارالقانون که حسب الامر قدس پادشاهی در ارک
رک

سلطانی ساخته شده و محلین بناوی و غیره اطفال شاهزاده
عظام و امرا و خوانین را در آنجا تعلیم میدهند درین اوقات
کمال انتظام را بهم رسانده و تزیینات کلی بنجه متعلین حاصل
گردیده است بطوری که در زمان اندک مانند کانی که سابقا
کار کرده باشند هر یک در هر فقی که تعلیم گرفته اند کمال
بهم رسانده اند چون از دو ماه قبل از سال سیمچان میل که
اول بنای مدرسه مزبوره بود و تفصیل امورات متعلقه بجهت
در روزنامه نوشته شده بود لهذا اجمالا شطری از آن
نوشته میشود که اکای اجمالی حاصل کرد درین مدت اگر چه
هر روز شاگردان بدین حد حاضر میشوند و لکن بتانی
مدرسه که بنائی عالی و طرحی جدید مثل برنچاه محوره پیش
ندمتب و وسیع بود با تمام نرسیده بود درین روز با تمام
رسیده و مشت علم را که هر یک محتاج ابه امور ملک و
در عیت است تعاون سایر دول در آنجا تعلیم میدهند
مساوی و غیره را که حاضر نموده اند بجهت حرکت تفصیل ذیل
شاکردن از اخلاف و نتایج شاهزادگان عظام و امرا و
عظمی مفرد استند و بجهت بعضی از آنها موجب برقرار فرموده

۵۸۱

وسایرین را انعام مستمری و مانده مرحمت فرمودند و
 لباس زمستانی از ناموت و تابستانی خارا و نهان
 مطبوع در کتب معین داشته و در سالی سه بار حکم به
 آنها میشود و در هر امتحانی با اندازه ترقی انعام نشان
 در امتحان اول که شد یک شاکردان با انعام و نشان
 ممتاز شده و باقی نیز و آخر ترقی از انعام اعلیٰ حضرت باد
 بهره مند گردیدند و تقصیل معلمین و تبحرین معلمین را
 معتمندند عالیجاه میرزا ملکم است و شاکردان مدرس
 و و در رس میگوید یکی در حساب و هندسه عام است
 که جمیع شاکردان بخوانند و یکی در رس خاص است که به دوازده
 شاکردان با استعداد مطالب عالیهندسه را از قواعد محکم
 و صنعت نقاشی و علم جزایا و در رس میگوید و خوب ترقی کرده
 معتم علم توپخانه عالیجاه موسیو کرشش است و مترجم و میرزا
 شاکردان مشارالیه بیت و شش نفرند درین مدت بسیار
 خوب تحصیل کرده اند علم توپخانه و علم هندسه حساب و علم
 جزایا و مشق توپ و مشق پارا برتیب ایام هر روزه در کمال
 جد و جهد مشغول بوده اند تا اکنون که بقصد ترقی علم و مترجم
 از ایشان بسیار زیاده از حد ترقی کرده اند چنانچه در امتحان
 اول صاحب نشان شدند و سایرین نیز بفادت بسیار
 معتم پیاده نظام عالیجاه قولونل مطرا اتو ایطالیائی که با سایر
 همزمان خود در سگ چاکران دولت علیه مشک بودند
 مشارالیه کمال شایستگی دارا سکی هر روزه در میدان
 مشق بیرون شهر مشغول مشق جمع افواج رکابی بوده و بسیار
 از عهد برآمد چنانچه خود از مشق افواج اظهار سرت میسند
 خدمت تعلیم شاکردان مدرس را نیز شخص مشق سگ چاکران

۵۸۲

این دولت علیه بعد خود گرفته سی نفر شاکردان پیاده نظام
 را با احواد انهای افواج در مدرس در رس میگوید و عالیجاه
 عیسی خان خلیف جناب جلالت تائب صدر اعظم که سابق در
 نزد مرحوم علی رضا خان در رس میخواند و بسیار خوب ترقی
 کرده بود و با بیت نفر از اولاد اشراف و بزرگان که آنها نیز
 در نزد مرحوم علی رضا خان در رس میخواندند حال در مدرس
 در نزد عالیجاه قولونل مطرا اتو در رس میخواند و مشارالیه
 میگوید اگر چه سنوز شاکردان مدرس را امتحان نکرده
 ولی بسیار خوب اند و هیچ نسبت شاکردان مدارس سی که در
 سایر دول دیده ام ندارند چنانکه حال ده نفر ازین شاکردان
 قابل آن اند که هر یک ده فرج را بقانون علمی مشق و تعلیم دهند
 و حال نیز هر روزه شاکردان قابل در بیرون شهر مشغول
 مشق دادن افواج اند

معتم علم سواره نظام عالیجاه موسیو تیر دست و مترجم او
 اندر حیات مشا و لیت و شاکردان ادیچ نفرند که مقررا
 در مدرس علم سواره نظام بیاموزند و لیکن سید نصر
 سوارچمد مشارالیه معتم فرموده اند که با صاحب منصبان
 سواره هر روزه در بیرون دروازه مشق میکنند و بسیار
 از عهد مشق موافق تعلیم معتم برمی آیند و علاوه بر آن بیت نفر
 از شاکردان مدرس را مشق بیشتر میدهند و بسیار خوب
 مشق میکنند بعد ازین معتم بنا دارد که صاحب منصبان سواره
 نظام را بجد مدرس آورده باشد شاکردان خاص و علم سواره
 نظام تعلیم کند

معتم در رس فرانسیسی و یونانی و آلمانی و ایتالیائی که در سایر
 علوم نیز چهار تالی تمام دارد و بعد از شاکردان در رس زبان میگوید

و قریب به نقره از آنها مبادرت بشکلم میسوزانند نمود و معتبر
 اخصاف میدهند که در مدارس سایر دول علم زبان را در
 پنجاه سال میسوزانند آموخت و اینها درین اندک زمان باین
 مقام رسیده اند که خوب زبان یاد گرفته اند
 معتم علم معادن موسس و چر نظامی متاوی و مترجم سیر از رضا
 کاشانیست بعد از دو ماه از تعلیم شاگردان خود ناموسریان
 معادن شد و شاگردان خود را همراه برود و از دولت علیه
 مخارج زیاد و انعام با آنها جرح شد و اکنون سنگهای کوناگون
 از معادن و ماوند و ماژندران آورده اند و میخواهند در دار
 امتحان نمایند تا هر یک معرون بصرفه باشد در آن معدن کاشانی
 نمایند و شاگردان شاراب پنج نفرند

معلم علم طب و جراحی عالیجاه موسس و چر نظامی و مترجم سیر از رضا
 قاجار است نقره شاگردان دست و در کمال نظم و خوبی تحصیل نمودند
 تا اینکه علم تشریح را که در سایر مدارس دول خارج از فراتر غیر
 معلوم در کمال تحصیل بنامند در سه فارغ شدند و بعد از آن شروع
 بعلم معرفت ادویه و اسباب و عللت معالجه نمودند اکنون معالجه
 رسیده اند که معلم ایشان بنا دارد در معینه آیند آنها را بر این خاطر
 برده کیفیت معالجه را بیاموزند و در این اوقات معلم ایشان فرار داد
 که بروقت در شهر معالجه غریبی از قطع و کسر سایر اعمال بد جراحی میکنند
 و نقره شاگردان قابل صاحبشان در سه نفر دیگر است بر هر اوج خود
 ببرد و بایشان می آموزد که در کار خود مهارت کامل بهم رسانند
 معلم علم طب سیمی و دوازی عالیجاه موسس و چر نظامی و مترجم سیر از رضا
 شاگردان شاراب هفت نفرند و در علم خود کمال سعی نموده و خوب
 ترقی کرده اند چنانکه در امتحان اول و نقره آنها صاحبشان شده اند
 معلم درسی فارسی و عربی عالیجاه شیخ محمد صالح است که مردی زاهد و

دستگسل است و به بیت نقره شاگردان در سه که در فارسی و
 عربی چندان مهارتی نداشتند در سه میگوید و وقت ظهر موزن
 مخصوص دار القنون اذان میگوید و عالیجاه شارابیه در حجره وسیعی که
 بجهت نماز مقررات بنام استاده شاگردان مدرسه سایرین
 اقدانموده بجماعت نماز میکند و دعاها را تلاوت می کند
 با بجهت تفصیل مراتب ترقیات اهل دار القنون در معتمای آیند
 در روزنامه نوشته خواهد

علی قیبه خانه دار المخلای درین اوقات نسبت بزبان سابق بسیار ترقی
 کرده است و در آتمانات اولیای دولت قاهره و سعی عالیجاه حاجی
 محمد حسین جبه دار کارخانه سازی حال بطوری شدت که در
 هر ماهی یکبار هفتاد تنگ سربازی کار دولت علیه ایران که مثل تنگهای
 سربازی خوب فرنگستان است در جبه خانه دار المخلای و با تمام سربازان
 و استادان قابل درکارند

این روزها اولیای دولت قاهره نظر ببلای خدمت دستامانات
 نوابش برادره و الا بتبارا امتی میرزا حکمران کرمانشاهان حسب الامر
 امده سس مایون اعلیحضرت پادشاهی نواب معزی ایبرای
 لقب بجواد اوله فرمودند و فرمان مهر لعلان مبارک تیر از
 مصدر خلافت کبری شرف صدیقت
 عالیجاه چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان چون در نظام
 امر اصفهان و انجام خدمات دیوانی مراتب اتهامات خود را
 مشهور و پیشگاه حضور مایون اعلیحضرت پادشاهی و لدای
 دولت علیه داشته بودند این اوقات یک قطعه نشان از
 مرتبه اول سیرسی با یک بند حایل سرخ که مخصوص این مرتبه است
 بافتخار او محنت و غایت کردید
 سایر ولایات

۲۰۰۰
۲۰۰۰

خراسان

از قراریکه در منفه گذشته در روزنامه سبزوار نوشته
 بودند پیش و پیش روس بر از منزل الهاک که محل گذرگاه
 طایفه خاله ترکمانیه میباشد بیرون شده و شش روز
 خود سردر میاندشت و بیابانهاگردش و چرامیکردند
 بعد از شش روز بدون نقصان بقلعه شفیق آباد که محال
 جوین است آمده اند اهل قلعه مزبور که سفدارانجا بداری نو
 و آدمی بزرگ عالیجاه علیخان حاکم جوین فرستاده بودند که
 بیست و شش روس بر بی صاحب بقلعه شفیق آباد آمده اند
 و صاحبشان معلوم نیست عالیجاه شارالیه و اولهارا که
 بان راهها فرستاده بود خواسته و از آنها تحقیق کرده بود
 آنها نیز اطلاعی نداشته اند تا بعد از چند روز دیگر صاحب
 کوسفدا از الهاک آمده و کوسفدای خود را برده بود و بسیار
 عجب است که درین مدت کوسفدا در بیابان بی صاحب
 دنه کرگ و دنه آدم با آنها برخورد است

اصغهان

از قراریکه در روزنامه اصغهان نوشته شده بود امر آنجا
 از اتهامات اولیای دولت قاهره در کمال انتظام و انضام
 از قراریکه نوشته بودند اوقاتی که عالیجاه چراغعلی خان
 نایب الحکومه اصغهان با نظام امر محال فریدین میرفت است
 در منزل نجف آباد که با سواره و جمیع عبور میسود است
 در نزدیکی نجف آباد خویشینی که در آن تنخواه کلبه بوده است
 در جاده عام افتاده از باب کمال این احدی خویش
 بر نداشته بوده است تا اینکه میرزا علی اکبر نام خویش
 یافته و داشته آورده با عالیجاه میرزا و لیجان پسر نایب الحکومه

داده است عالیجاه شارالیه فراسخن بتفحص صاحب
 خوزجین فرستاده بود بعد از چند روز معلوم شده بود که
 خوزجین از آقا علی نام تاجر شیروانی که از تبعه دولت بیتی
 روس است بوده او را حاضر نموده مذکور داشته بوده است
 که سینه توان در میان خوزجین من بوده است بعد از آنکه
 در خوزجین را کشته بودند دیدند که مبلغ مروری بینهها
 پیا شد همان ساعت بدون کسر و نقصان خوزجین شکار
 کرده بود

عالیجاه چراغعلی خان نایب الحکومه اصغهان که این اوقات
 بجهت انتظام امر فریدین رفته بود امر آنجا را بسیار منظم و
 منضبط نموده و اکثر آنجا تیاری را که همواره در آنجا
 مصدر افساد و شرارت و هرزگی می شد زنده را گرفته
 و نسبت به کامل نموده است و قلعه علی محمد خان را که قلعه مستحکم و
 مضبوط بوده و شارالیه بسبب حصانت آنجا حقیقتاً
 کسان خود مشغول شرارت و خود سری بود و گرفتن قلعه
 مزبوره مستعجب می نمود گرفته و کوبیده و حوزاد را با
 اقوام و عشیره اش گرفته بدربارها یون پادشاهی
 داشته است و این اوقات آنجا کمال امنیت و انتظام
 دارد

کاشان

از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته بودند بچه شالی از خانه شخصی
 سرقت شده بود عالیجاه محمد ابراهیم خان بچه مسروق را از دار
 آنجا حاکم خواسته بود و از کدخدایان نیز الترام گرفته بود و بچه
 بعینهها آورده و در قلعه خود فیض گذاشته بودند بصاحبش رد
 کرده اند ولی سابق فر فر معلوم شده است